

عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز نزاع‌های دسته‌جمعی: مطالعه موردی شهرستان شهریار

راضیه صابری^۱، زینب باقری نژاد^۲، سجاد شکیبایی^۳

چکیده

نزاع‌های دسته‌جمعی به عنوان یکی از پدیده‌های خشونت اجتماعی، تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارند که بررسی آن‌ها می‌تواند به پیشگیری و کاهش این رفتارها کمک کند. پژوهش حاضر با تأکید بر عوامل اجتماعی و فرهنگی، به بررسی نقش بی‌سازمانی اجتماعی، فشارهای ساختاری، خرده‌فرهنگ‌های خشونت‌زا و کنترل اجتماعی در شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان شهریار پرداخته است. این مطالعه از روش تحقیق کمی بهره گرفته و داده‌های لازم از ۳۸۴ مرد بالای هجده سال گردآوری شده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ای بود که روایی آن از طریق روایی صوری و هم‌گرا و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی تأیید شد و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار پی‌ا ال اس و روش معادلات ساختاری انجام گرفت. پرسش اصلی این پژوهش، ارتباط بین ساختار اجتماعی و بروز نزاع‌های جمعی در شهرستان شهریار و چگونگی تأثیرگذاری فرایند اجتماعی شدن بر مشارکت افراد در نزاع‌های جمعی است. یافته‌های پژوهش نشان داد که بی‌سازمانی اجتماعی، فشارهای ساختاری و خرده‌فرهنگ‌های مشوق خشونت، ارتباطی مثبت و معنادار با افزایش این پدیده دارند. در مقابل، کنترل اجتماعی به عنوان عاملی بازدارنده، رابطه‌ای منفی و معنادار با وقوع نزاع‌های دسته‌جمعی نشان داد. اصلاح شرایط اجتماعی، کاهش بی‌سازمانی اجتماعی و فشارهای ساختاری و تقویت نهادهای کنترل اجتماعی می‌تواند به کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز و نزاع‌های دسته‌جمعی کمک کند. این پژوهش بر اهمیت سیاست‌گذاری اجتماعی و مشارکت فعال جامعه در مدیریت و کنترل این نوع خشونت‌ها تأکید دارد.

واژگان کلیدی: نزاع دسته‌جمعی، عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی، شهرستان شهریار،

جرم‌شناسی.

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
r.saberi@iaua.ac.ir

۲. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
zeinabbagherinezhad@iaua.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
sajadshakibaei@gmail.com

درآمد

در جوامع انسانی، نزاع‌های جمعی به عنوان یک پدیده اجتماعی و جرم‌شناختی، همواره به عنوان معضلی قابل توجه شناخته شده‌اند. این نزاع‌ها که معمولاً تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل می‌گیرند، تأثیرات عمیق و پایداری بر امنیت اجتماعی و روانی افراد و جوامع دارند. نزاع‌های جمعی بر خلاف برخی دیگر از انواع خشونت‌ها، نه تنها شامل افراد محدودی از یک گروه خاص می‌شوند، بلکه درگیر کردن تعداد زیادی از افراد و گروه‌ها را در پی دارند و این امر موجب می‌شود که نتایج آن به ویژه از نظر شدت و دامنه آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی، بسیار وخیم و پیچیده‌تر باشد. در این میان، بررسی علل اجتماعی و فرهنگی به عنوان یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری و گسترش این نوع نزاع‌ها، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

در خصوص بروز نزاع‌های جمعی، عواملی نظیر تعصبات قومی، تفاوت‌های فرهنگی، مشکلات اقتصادی، بی‌اعتمادی بین گروه‌ها و فشارهای اجتماعی نقش به‌سزایی دارند. هم‌چنین تفاوت‌های ساختاری در جوامع و فقدان انسجام اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش بروز این نزاع‌ها باشد. بر اساس مطالعات مختلف، در مناطقی که مشکلات اجتماعی و اقتصادی بیشتر است، این نوع نزاع‌ها به طور قابل توجهی بیشتر رخ می‌دهد (قاسمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۳). در این راستا، شهرستان‌های مختلف کشور به ویژه مناطقی که با تنوع قومی و فرهنگی مواجه‌اند، بیشتر در معرض خطر این نوع خشونت‌های جمعی قرار دارند.

این نوشتار با تمرکز بر بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر وقوع نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان شهریار، در پی شناسایی و تحلیل این پدیده و عوامل آن است تا با تحلیل دقیق‌تری از این عوامل، به ارائه راهکارهایی برای کاهش و پیشگیری از این پدیده آسیب‌زا بپردازد. از جمله این عوامل می‌توان به ضعف‌های اجتماعی و اقتصادی، بی‌اعتمادی میان گروه‌ها، شرایط فرهنگی خاص و روندهای اجتماعی که به طور غیر مستقیم بر رفتارهای جمعی تأثیر می‌گذارند، اشاره کرد. علت انتخاب این شهرستان در پژوهش حاضر آن است که شهرستان

شهریار با جمعیتی بالغ بر ۹۹۵ هزار نفر^۱ و متشکل از اقوام و گروه‌های مختلف، از جمله مناطقی است که در آن نزاع‌های جمعی به ویژه در مناطق با ساختار ایلی و طایفه‌ای رایج است (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۲). در این شهرستان، عواملی چون خویشاوندگرایی وابستگی‌های قومی، مسائل ناموسی و هویتی، به طور جدی زمینه‌ساز بروز نزاع‌های دسته‌جمعی است (جوانمرد و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۲).

در تعریف اصطلاحات پژوهش باید گفت منازعه به معنای نزاع کردن و ستیزه کردن دو یا چند نفر با یکدیگر است (مرادی، ۱۳۹۶: ۲۲۰) و نزاع دسته‌جمعی درگیری جسمی یا پرخاش‌گری جمعی است که حداقل شامل سه نفر بوده و به صورت مسلحانه یا غیر مسلحانه و با انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رخ می‌دهد (شیخ‌طاهری و فیروزآبادی، ۱۴۰۳: ۳۶۹). ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، نزاع دسته‌جمعی را تحت عنوان «منازعه» آورده که برای تحقق آن، تمامی شرکت‌کنندگان باید در اعمال ضرب و جرح متقابل شرکت داشته باشند. به عبارتی، اگر یک گروه به گروه دیگر حمله کند و گروه مقابل اقدامی جز دفاع از خود نداشته باشد، منازعه محسوب نخواهد شد (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۲: ۴۲۱). در این‌جا مشارکت به معنای آن است که هر یک از طرفین به نحوی عمل کنند که هر دو طرف، هم فاعل و هم طرف فعل قرار گیرند. عبارت «با یکدیگر» در ماده ۶۱۵ ضرورت تقابل در نزاع را تأیید می‌کند. هم‌چنین اگر در یک نزاع دسته‌جمعی، تنها یک نفر با یک ضربه کشته شود، نافی تحقق منازعه نیست و همه مداخله‌کنندگان به اتهام منازعه دسته‌جمعی مجازات می‌شوند (آقائی‌نیا، ۱۳۹۷: ۴۱۵). از واژه «عده‌ای» در این ماده، لزوم شرکت حداقل سه نفر در منازعه استنباط شده (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۲: ۴۲۳) و اداره حقوقی قوه قضاییه نیز این نظر را تأیید کرده است.^۲ به این ترتیب، نزاع دسته‌جمعی یا منازعه در حقوق ایران، به درگیری متقابل حداقل سه نفر اطلاق می‌شود که ممکن است با سلاح یا بدون سلاح باشد و منجر به قتل، نقص عضو یا ضرب و جرح شود.

۱. به نقل از سایت رسمی مرکز آمار ایران به نشانی <https://amar.org.ir>

۲. نظریه مشورتی شماره ۷/۳۵۵۳ مورخ ۱۳۷۵/۲/۱۸ و نظریه شماره ۷/۶۰۵۹ مورخ ۱۳۷۹/۶/۳۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه تصریح کرده است که منظور از «عده» در این ماده، سه نفر یا بیشتر است.

هدف اصلی پژوهش، شناسایی علل اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر این پدیده است و در پی آن، تحلیل روابط مختلف بین این عوامل برای ارائه پیشنهادهای مؤثر در جهت کاهش وقوع این نوع خشونت‌ها در آینده خواهد بود. در این راستا، پرسش‌های اصلی پژوهش شامل شناسایی ارتباطات میان ساختار اجتماعی و فرهنگی و وقوع نزاع دسته‌جمعی و همچنین بررسی تأثیر فرایندهای اجتماعی در شکل‌گیری این پدیده می‌باشد. پرسش‌های اصلی پژوهش آن است که «چه ارتباطاتی بین ساختار اجتماعی و بروز نزاع‌های جمعی در شهرستان شهریار وجود دارد؟» و «چگونه فرایند اجتماعی شدن بر مشارکت افراد در نزاع‌های جمعی تأثیر می‌گذارد».

در راستای دستیابی به پاسخ این سوالات، ابتدا مبانی نظری مربوط به موضوع مورد نظر تشریح خواهد شد؛ سپس پیشینه تحقیقاتی مرتبط با موضوع که شامل نتایج تحقیقات پیشین و تحلیل‌های مرتبط است بررسی می‌شود. در مرحله بعد، روش تحقیق به تفصیل توضیح داده خواهد شد و پس از آن، تحلیل داده‌ها و نتایج حاصل از آن به صورت مفصل ارائه خواهد شد. در پایان، بحث و نتیجه‌گیری از یافته‌ها صورت می‌گیرد و در راستای پیشگیری از نزاع‌های دسته‌جمعی و بهبود وضعیت اجتماعی در شهرستان شهریار پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

۱. مبانی نظری پژوهش

نزاع‌های دسته‌جمعی به عنوان یکی از نمودهای بارز کنش‌های جمعی، از دیرباز مورد توجه جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی بوده است. این پدیده که اغلب ناشی از تنش‌ها و تضادهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جوامع است، پیامدهایی نظیر کاهش امنیت اجتماعی، افزایش بی‌اعتمادی و آسیب به ساختارهای فرهنگی جامعه را به همراه دارد.

در زمینه بزهکاری، نظریه‌های مختلفی از سوی جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان مطرح شده است که بر تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی بر رفتار مجرمانه تأکید دارند. این پژوهش با تمرکز بر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی، به بررسی نظریه‌هایی می‌پردازد که نقش ساختارها و فرایندهای اجتماعی در شکل‌گیری این رفتارها را تبیین می‌کند. طبق تقسیم‌بندی سیگل، نظریه‌های ساختار

اجتماعی به تأثیر نابرابری‌های اجتماعی، فقر و عوامل فرهنگی در ایجاد رفتارهای خشونت‌آمیز توجه دارند؛ در حالی که نظریه‌های فرایند اجتماعی بر نقش تعاملات اجتماعی و یادگیری رفتارهای انحرافی و تأثیرات اجتماعی هم‌چون فشار همسالان تأکید می‌کنند. در این پژوهش، از پرداختن به نظریه‌هایی که مفاهیم کلان مانند تضاد طبقاتی را مطرح می‌کنند، خودداری شده است؛ زیرا این نظریه‌ها ارتباط مستقیمی با موضوع مطالعه ندارند. تمرکز تحلیل بر عواملی است که به طور خاص در نزاع‌های دسته‌جمعی تأثیر دارند و می‌تواند شناخت بهتری از سازکارهای بروز این رفتارها در جامعه ارائه دهد.

۱-۱. نظریه‌های ساختار اجتماعی

نظریه‌پردازان ساختار اجتماعی بر این باورند که ارتکاب جرائم و افزایش آن ارتباط مستقیمی با وضعیت طبقاتی و تنوع فرهنگی و ارزشی در جامعه دارد. آن‌ها توجه خود را به طبقات و لایه‌های اجتماعی و ساختارهای جامعه معطوف می‌کنند و معتقدند که نابرابری در دسترسی به امکانات و سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی موجب اختلافات و تنش‌ها و در نهایت بزهکاری می‌شود. این نابرابری‌ها به -ویژه در مناطق فقیرنشین، افراد را به سمت الگوهای رفتار جنایی سوق می‌دهد. به عنوان مثال، افرادی که در مناطق فقیر زندگی می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که در بزرگسالی به بزهکاری ادامه دهند. در این ساختار اجتماعی، سه نظریه اصلی وجود دارد که با یکدیگر هم‌پوشانی دارند: نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، نظریه فشار و نظریه انحراف فرهنگی یا خرده‌فرهنگی (سیگل و ولش، ۱۳۹۹: ۳۴۷-۳۴۸ و حاجی‌ده‌آبادی، ۱۴۰۰: ۷۴-۷۵).

۱-۱-۱. نظریه بی‌سازمانی اجتماعی^۱

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی بر این اصل استوار است که ناتوانی جامعه در اعمال کنترل اجتماعی فرصت‌هایی برای بروز رفتارهای غیر قانونی، به ویژه در میان نوجوانان فراهم می‌آورد. این نظریه تأثیر زیست‌بوم انسانی را بر رفتار افراد به ویژه در محیط‌های شهری با استانداردهای زندگی پایین بررسی می‌کند. زیست‌بوم‌های ناسالم می‌تواند منجر به بروز رفتارهای انحرافی و مجرمانه شود (صفاری و کونانی، ۱۳۹۶:

۱۲۶؛ حاجی‌ده‌آبادی، ۱۴۰۰: ۷۵).

این رویکرد که توسط مکتب شیکاگو در اوایل قرن بیستم مطرح شد، ارتباط رفتار انسان با محیط شهری را تحلیل می‌کند. شاو و مک‌کی از جامعه‌شناسان این مکتب، مناطق شهری را به پنج منطقه تقسیم کرده و دریافتند که نرخ بزهکاری در مناطقی مانند محدوده انتقالی که ویژگی‌هایی چون فقر، بیکاری و تراکم جمعیت دارد، بالاتر است. آنان استدلال کردند که فقدان کنترل‌های اجتماعی در این مناطق باعث افزایش بزهکاری می‌شود (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۴۰۰: ۷۶؛ سیگل و ولش، ۱۳۹۹: ۳۵۱).

این نظریه تأکید دارد که نبود نظارت اجتماعی رسمی و تضعیف نهادهایی مانند خانواده و مدرسه، موجب الگوبرداری کودکان و نوجوانان از گروه‌های بزهکار می‌شود. شاو و مک‌کی نشان دادند که بزهکاری در این مناطق نه به دلیل مشکلات انطباق فرهنگی، بلکه به سبب فضای بی‌سازمانی اجتماعی است (نجفی‌ابرنده‌آبادی، ۱۳۸۳: ۲۰۲۴). نظریه بی‌سازمانی اجتماعی هم‌چنین توضیح می‌دهد که ضعف ساختارهای اجتماعی، کاهش نظارت اجتماعی و وجود عوامل محیطی مخرب می‌تواند به افزایش رفتارهای خشونت‌آمیز مانند نزاع‌های دسته‌جمعی منجر شود. در شهرستان شهریار، عواملی هم‌چون تراکم جمعیت، بیکاری و کمبود ساختارهای حمایتی می‌تواند شرایط مساعدی برای گسترش نزاع‌های دسته‌جمعی ایجاد کند. بر اساس این نظریه، در مناطقی با بی‌سازمانی اجتماعی، نزاع‌های دسته‌جمعی به عنوان رفتارهای انحرافی بیشتر بروز می‌یابند و فقدان نظم اجتماعی می‌تواند نقش بازدارنده نهادهایی نظیر خانواده و نیروهای انتظامی را تضعیف کرده و موجب افزایش خشونت‌های گروهی شود.

۲-۱-۱. نظریه فشار^۱

نظریه فشار که در دسته نظریه‌های ساختاری قرار می‌گیرد، بر اساس این است که انحرافات و جرائم در جوامع بیشتر ناشی از فشارهای اقتصادی و اجتماعی است که بر افراد به ویژه اقشار محروم وارد می‌شود. این فشارها به ویژه در مناطق محروم، به دلیل کمبود امکانات و فرصت‌های محدود، موجب بروز رفتارهای انحرافی می‌شود.

1. Strain Theory

افراد محروم به دلیل ناتوانی در دسترسی به منابعی مانند مسکن، آموزش و بهداشت، ممکن است به رفتارهای غیر قانونی مانند دزدی یا مصرف مواد مخدر روی بیاورند (ساعدی و هاشمی و عابدی، ۱۳۹۲: ۸۰؛ سیگل، ۱۳۸۶: ۳۳۱).

این نظریه در دو قالب قابل بررسی است: نظریه فشار ساختار اجتماعی^۱ و نظریه فشار عمومی^۲. نظریه فشار ساختار اجتماعی که توسط رابرت مرتن^۳ ارائه شده است بر این باور است که در جوامعی با نابرابری‌های اجتماعی، فشارهای ساختاری می‌تواند منجر به رفتارهای انحرافی شود. مرتن چهار نوع واکنش انحرافی به فشارهای اجتماعی را توضیح داده است: نوآوری، آیین‌باوری، کناره‌گیری و طغیان. او این واکنش‌ها را نه به عنوان مشکلات روان‌شناختی، بلکه به عنوان پاسخ‌های ساختاری به فشارهای اجتماعی ناشی از آنومی در نظر می‌گیرد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۵۲؛ جوانمرد، ۱۴۰۰: ۱۱۱-۱۱۲؛ ستوده، ۱۳۸۴: ۱۳۰-۱۳۲؛ حیدرآبادی و عباسی و نجفی، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

در ادامه نظریه فشار عمومی که توسط رابرت آگنیو^۴ مطرح شده، به تبیین بزهکاری در تمامی اقشار جامعه پرداخته است. برخلاف مرتن که بیشتر بر طبقات پایین تأکید داشت، آگنیو این نظریه را برای تبیین بزهکاری در تمامی گروه‌های اجتماعی گسترش داده است. او به ویژه بر نقش روابط اجتماعی منفی تأکید دارد و بیان می‌کند که ناکامی در دستیابی به اهداف یا از دست دادن منابع مثبت می‌تواند موجب هیجانات منفی مانند خشم و ناامیدی شود که به رفتارهای مجرمانه منتهی می‌شود (حاجی‌ده آبادی، ۱۴۰۰: ۱۱۲).

آگنیو منابع فشار را به چهار دسته تقسیم می‌کند: ناکامی در دستیابی به اهداف مثبت و ارزشمند اجتماعی، عدم تطابق انتظارات و موفقیت‌ها، از دست دادن یا حذف محرک‌های مثبت و حضور محرک‌های منفی مانند بزه‌دیدگی یا کودک‌آزاری. این فشارها به ویژه زمانی که فرد قادر به دوری از شرایط منفی نباشد، می‌تواند موجب بروز رفتارهای پرخاش‌گرانه و خشونت‌آمیز شود (سیگل، ۱۳۸۶: ۳۴۴-؛ ملک‌میان و

1. Social Structural Strain Theory

2. General Strain Theory

3. Robert Merton

4. Robert Agnew

شریفیان، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

نظریه فشار عمومی هم‌چنین با تحلیل تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نزاع‌های دسته‌جمعی ارتباط نزدیکی دارد. فشارهای ناشی از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی مانند فقر، بیکاری و کمبود امکانات در مناطق پرجمعیت و محروم می‌تواند موجب بروز احساسات منفی هم‌چون خشم و ناامیدی شود که در نهایت به اعمال خشونت‌آمیز و نزاع‌های جمعی می‌انجامد. در این مناطق، عدم دسترسی به فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی می‌تواند به بروز رفتارهای انحرافی و جرائم جمعی منتهی شود. بر اساس این نظریه، روابط اجتماعی منفی مانند اختلافات خانوادگی یا اجتماعی و فشارهای ناشی از آن‌ها، به ویژه در جوامعی که احساس ناکامی و محرومیت در آن‌ها بیشتر است، زمینه‌ساز بروز چنین رفتارهای خشونت‌آمیز و نزاع‌های دسته‌جمعی خواهد بود.

۳-۱-۱. نظریه محرومیت نسبی^۱

نظریه محرومیت نسبی به ادراک افراد از وضعیت رفاهی خود در مقایسه با دیگران اشاره دارد و تأکید می‌کند که فقر نه تنها یک وضعیت عینی، بلکه یک وضعیت ذهنی است که از مقایسه اجتماعی نشأت می‌گیرد. بر اساس این نظریه، احساس محرومیت زمانی ایجاد می‌شود که افراد احساس کنند به دلایل مختلف از مزایای اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی که دیگران در جامعه دارند، محروم هستند. این احساس محرومیت می‌تواند به بزهکاری، خشونت و نارضایتی اجتماعی منجر شود (ولد و برنارد و اسنپس، ۱۳۸۰: ۱۶۱). طبق این نظریه، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی می‌تواند فشارهایی ایجاد کند که در نهایت منجر به رفتارهای خشونت‌آمیز و بزهکاری شود. افراد با وضعیت اقتصادی ضعیف، به دلیل احساس حقارت و عدم دستیابی به منابع مورد نظر، ممکن است به بزهکاری و خشونت روی آورند (باقری و ملتفت، ۱۳۸۹: ۸۸-۸۹). رابرت گار^۲ نیز این نظریه را در زمینه رفتار سیاسی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که هر چه احساس محرومیت بیشتر باشد، میزان خشونت افزایش می‌یابد. او سه نوع محرومیت نسبی را معرفی

1. Relative Deprivation Theory

2. Robert Gurr

کرده است: محرومیت نزولی، محرومیت ناشی از بلندپروازی و محرومیت صعودی (قاسمی و بختیاری، ۱۳۹۸: ۳۶). این احساس محرومیت به ویژه در مناطق حاشیه‌ای و فقیرتر مشاهده می‌شود؛ جایی که ترکیب فقر اقتصادی و فرهنگی مشاهده می‌شود و وضعیت رفاهی بهتر دیگران، به نارضایتی و افزایش احساس محرومیت نسبی منجر می‌شود (هادیزاده، ۱۳۸۲: ۲۳۵). به طور کلی، نظریه محرومیت نسبی به ویژه در جوامعی با نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی برجسته می‌شود و می‌تواند علل بروز خشونت‌های اجتماعی و نزاع‌های دسته‌جمعی را روشن‌تر سازد. این نظریه بر اهمیت احساس محرومیت و نابرابری میان گروه‌های مختلف جامعه تأکید دارد و نشان می‌دهد که این احساسات چگونه می‌تواند به تشدید خشونت و نزاع‌های اجتماعی منجر شود.

۲-۱. نظریه‌های انحراف فرهنگی (خرده فرهنگی)^۱

نظریه‌های خرده‌فرهنگ به بررسی گروه‌هایی می‌پردازند که از جریان غالب جامعه انحراف دارند. این نظریه‌ها یا به عنوان زیرمجموعه نظریه‌های ساختاری جرم یا فشار اجتماعی شناخته می‌شوند. طبق این نظریه‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها در مناطق فاقد سازمان به دلیل فشار و گسست اجتماعی شکل می‌گیرند (سیگل و ولش، ۱۳۹۹: ۳۴۹). این گروه‌ها با ایجاد ارزش‌ها و رفتارهای منحصر به فرد، تفاوت‌های رفتاری ایجاد می‌کنند که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (سیگل، ۱۳۸۶: ۳۱۷).

خرده‌فرهنگ زمانی شکل می‌گیرد که گروهی از افراد به دلیل شرایط مشابه، از جریان غالب جامعه محروم یا آن را نفی می‌کنند (Bohmet al., 2011: 104). این گروه‌ها ممکن است برخی تخلفات را به عنوان شیوه‌های اجتماعی مثبت تلقی کنند (Walsh & Hemmens, 2011: 391). در ادامه به بررسی نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف در زمینه انحراف فرهنگی پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱. نظریه ناکامی منزلتی (خرده‌فرهنگ بزهکاری کوهن)^۱

نظریه ناکامی منزلتی یا خرده‌فرهنگ بزهکاری آلبرت کوهن^۲ که در کتاب پسران بزهکار مطرح شد، علل بزهکاری در نوجوانان طبقات پایین را بررسی می‌کند. کوهن معتقد است این نوجوانان با ارزش‌های طبقات متوسط آشنا شده و در رقابت برای دستیابی به منزلت اجتماعی ناکام می‌مانند. این ناکامی‌ها باعث می‌شود که برای جبران تحقیرهای اجتماعی به بزهکاری روی آورند. بر اساس این نظریه، بزهکاری به عنوان مکانیزمی انطباقی، جایگزینی برای کسب منزلت و اعتبار محسوب می‌شود که در تضاد با ارزش‌های طبقات بالاتر قرار دارد (شایگان و جبلی، ۱۳۸۹: ۷۴). کوهن نتیجه می‌گیرد که نوجوانان طبقات پایین به دلیل محدودیت در دستیابی به اهداف مشروع، به خرده‌فرهنگ بزهکاری روی می‌آورند. این خرده‌فرهنگ وسیله‌ای برای جبران نارضایتی‌های اجتماعی و اقتصادی است. از دیدگاه او، پیوستن به گروه‌های بزهکار برای اعضای این طبقات نوعی دستیابی به منزلتی اجتماعی است که در شرایط معمولی دست نیافتنی است (Beirne & Messerschmidt, 2011: 136-139).

به طور کلی ویژگی‌های خرده‌فرهنگ بزهکاری شامل بزهکاری غیر سودمندانه، تمایل به خشونت، منفی‌گرایی، لذت‌جویی و وفاداری گروهی است. کوهن تأکید دارد که نوجوانان طبقه کارگر به دلیل تضاد میان ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی خود، در معرض چنین رفتارهایی قرار دارند (قاسمی و یازرلو، ۱۳۸۴: ۱۱۲). در نتیجه محدودیت دسترسی به منابع و فرصت‌های اجتماعی در جوامع، نوجوانان طبقات پایین را به سمت فعالیت‌های بزهکارانه سوق می‌دهد. این رفتارها که اغلب به خشونت و نزاع‌های گروهی منجر می‌شود وسیله‌ای برای کسب منزلت اجتماعی و تحمیل هویت گروهی است.

۱-۲-۲. نظریه فرصت‌های افتراقی (خرده‌فرهنگ تضاد)^۳

نظریه فرصت‌های افتراقی توسط ریچارد کلوارد^۴ و لوید اوهلین^۵ برای تکمیل نظریه مرتن ارائه شد و بر نابرابری دسترسی به فرصت‌های ارتکاب جرم تمرکز

1. Status Frustration Theory (Cohen's Delinquent Subculture)

2. Albert Cohen

3. Differential Opportunity Theory (Conflict Subculture)

4. Richard Cloward

5. Lloyd Ohlin

دارد. بر اساس این نظریه، افراد دو نوع فرصت در ساختار اجتماعی دارند: مشروع و نامشروع. در صورت ناتوانی در دستیابی به اهداف اجتماعی از طریق فرصت‌های مشروع، دسترسی به فرصت‌های نامشروع می‌تواند فرد را به سمت بزهکاری سوق دهد؛ با این حال، بر خلاف نظریه مرتن، کلوارد و اوهلین معتقدند که دسترسی به فرصت‌های نامشروع نیز برای همه افراد یکسان نیست (سخاوت، ۱۳۷۴: ۶۱).

کلوارد و اوهلین مفهوم «خرده‌فرهنگ‌های بزهکاری» را برای توضیح این مسأله معرفی و بیان کردند که فرصت‌های نامشروع اغلب از طریق عضویت در این خرده‌فرهنگ‌ها فراهم می‌شود. آن‌ها سه نوع خرده‌فرهنگ بزهکاری را شناسایی کردند: نخست، خرده‌فرهنگ مجرمانه که ارتباط نزدیک بزهکاران بزرگسال با جوانان امکان مشارکت آن‌ها در جرائمی مانند سرقت و فعالیت‌های سازمان‌یافته را فراهم می‌کند؛ دوم، خرده‌فرهنگ تضاد که در محله‌های بی‌نظم و فاقد جرائم سازمان‌یافته، جوانان برای کسب منزلت اجتماعی به خشونت و درگیری روی می‌آورند؛ سوم، خرده‌فرهنگ گوشه‌گیر که به افرادی تعلق دارد که در دیگر خرده‌فرهنگ‌ها جایگاهی ندارند و به مصرف مواد مخدر و الکل پناه می‌برند (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۴؛ احمدی، ۱۳۹۲: ۷۷). این نظریه نشان می‌دهد که نزاع‌های دسته‌جمعی به عنوان واکنشی به فقدان فرصت‌های مشروع ناشی از پیوستن جوانان به خرده‌فرهنگ‌های خشونت‌محور است. این رفتارها تحت تأثیر مستقیم ساختار اجتماعی و فرصت‌های موجود در محیط‌های زندگی افراد شکل می‌گیرد.

۳-۲-۱. نظریه خرده‌فرهنگ طبقه پایین^۱

نظریه خرده‌فرهنگ طبقه پایین والتر میلر^۲ بر این نکته تأکید دارد که رفتارهای بزهکارانه در طبقات فرودست ناشی از تضاد با ارزش‌های طبقه متوسط نیست، بلکه پاسخی به ارزش‌های خاص خرده‌فرهنگ طبقه خود است. میلر معتقد است که پسران طبقه فرودست به خرده‌فرهنگ خود وفادارند و تلاش برای نمایش رفتارهای مورد تأیید این فرهنگ در جامعه، آن‌ها را به عنوان بزهکار معرفی می‌کند (احمدی، ۱۳۹۲: ۹۲). این نظریه توضیح می‌دهد که پسران برای کسب هویت مردانه و منزلت

1. Lower-Class Culture Theory

2. Walter Miller

اجتماعی به باندهای خیابانی می‌پیوندند. اعضای این باندها نه بیمار روانی هستند و نه تحت تأثیر اختلالات فردی عمل می‌کنند، بلکه نماینده قوی‌ترین اعضای محله خود هستند که از توانایی جسمانی و مهارت‌های اجتماعی برخوردارند (شومیکر، ۱۳۹۷: ۲۰۶). میلر بیان می‌کند که باندهای تبهکار در چارچوب ارزش‌های خرده‌فرهنگ خود عمل کرده و اختلافات را از طریق نزاع و درگیری حل می‌کنند. این روش در فرهنگ آن‌ها پذیرفته شده است و به همین دلیل در مناطقی که این خرده‌فرهنگ غالب است، نزاع‌های دسته‌جمعی به وفور مشاهده می‌شود. هم‌چنین والدین این طبقه به دلیل پذیرش این فرهنگ، کنترلی بر روابط فرزندان خود با هم‌سالان خشن اعمال نمی‌کنند و مانعی برای شرکت آن‌ها در نزاع ایجاد نمی‌نمایند.

۴-۲-۱. نظریه خرده فرهنگ فقر^۱

نظریه خرده فرهنگ فقر اسکار لوئیس^۲ بر این باور است که در طبقات فرودست و فقیر، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و سبک‌های زندگی خاص به دلیل شرایط محرومیت و فقر شکل می‌گیرد (شومیکر، ۱۳۹۷: ۲۰۷). لوئیس تأکید دارد که زندگی افراد این طبقات با تلاش روزانه برای بقا و فقدان حریم خصوصی همراه است و رقابت برای منابع محدود و احساس سرافکنندگی باعث پرخاش‌گری و خشونت در جوانان می‌شود (محسنی، ۱۳۹۷: ۹۰؛ احمدی، ۱۳۹۲: ۱۳۸۵). این رفتارهای بزهکارانه و خشونت‌آمیز به ویژه در مناطق حاشیه‌نشین، ناشی از فشارهای اقتصادی و اجتماعی و ناتوانی در حل مشکلات از طریق روش‌های قانونی است. عوامل اقتصادی و فرهنگی نقش کلیدی در ایجاد خرده فرهنگ‌هایی دارند که در آن‌ها حل اختلافات با پرخاش‌گری و خشونت تأیید می‌شود (Toby, 1961: 283). در نتیجه این وضعیت‌ها به افزایش خشونت‌های فردی و جمعی در جوامع فقیر و حاشیه‌نشین منجر می‌شود.

۴-۲-۵. نظریه خرده فرهنگ خشونت^۳

نظریه خرده فرهنگ خشونت که توسط ماروینگ ولفگانگ و فرانکو فراکوئی (۱۹۸۱) مطرح شد، بر تأثیر یادگیری ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای خشونت‌آمیز

1. Culture of Poverty Theory
2. Oscar Lewis
3. Subculture of Violence Theory

در محله‌های فقیر و نابسامان تأکید دارد. در این خرده‌فرهنگ‌ها، خشونت به عنوان ابزاری برای حفاظت از جایگاه اجتماعی فرد و واکنش به توهین‌ها پذیرفته می‌شود و با فرهنگ غالب جامعه در تضاد است (رایجیان اصلی، ۱۴۰۱: ۳۴۳؛ Bohm et al., 2011: 104). در محیط‌هایی که خشونت به عنوان راه حلی آموخته شده ترویج می‌شود، این رفتارها بیشتر از راه حل‌های دیگر تقویت می‌گردند (Walsh and Hemmens, 2011: 391)؛ به ویژه در مناطقی که حمل سلاح پذیرفته شده و والدین نسبت به این رفتارها واکنش منفی نشان نمی‌دهند یا حتی فرزندان خود را در درگیری‌ها تشویق می‌کنند، نرخ جرائم خشونت‌آمیز از جمله منازعات دسته‌جمعی افزایش می‌یابد.

۳-۱. نظریه‌های فرایند اجتماعی

نظریه‌های فرایند اجتماعی بر نقش روابط شخصی و جامعه‌پذیری افراد از طریق نهادهایی مانند خانواده، مدرسه و نهادهای دینی در شکل‌گیری و تداوم بزهکاری تأکید دارند (حاجی‌ده آبادی، ۱۴۰۰: ۵۴). روابط مثبت با این نهادها باعث پایبندی به مقررات جامعه می‌شود؛ در حالی که روابط ناسالم ممکن است افراد را به مسیرهای پرخطر سوق دهد (سعادت، ۱۳۹۹: ۱۱۵). این دیدگاه به طور کلی شامل دو شاخه اصلی یادگیری اجتماعی و کنترل اجتماعی است.

۳-۱-۱. نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی با تأکید بر نقش جامعه در شکل‌دهی رفتارها، بیان می‌کند که بزهکاری رفتاری اکتسابی است که از طریق تعاملات اجتماعی، مشاهده و الگوبرداری شکل می‌گیرد. این نظریه که بر تأثیر هم‌زمان عوامل فردی، محیطی و رفتاری تأکید دارد، دارای دو شاخه اصلی است: نظریه پیوند افتراقی ساترلند^۱ و نظریه تقویت افتراقی برگس و آکرز^۲ (پوریوسفی و طایفه و فرکوش، ۱۳۸۸: ۱۸۴).

پیوند افتراقی توضیح می‌دهد که بزهکاری از معاشرت با افرادی ناشی می‌شود که هنجارهای انحرافی را ترویج می‌دهند. تعاملات مکرر و قوی با این گروه‌ها باعث

1. Edwin Sutherland

2. Burgess and Akers

یادگیری شیوه‌های ارتکاب جرم و نگرش‌های مثبت به رفتارهای مجرمانه می‌شود (داوری و ، ۱۳۸۷: ۳۹۸). تقویت افتراقی نقش پاداش و تنبیه را در شکل‌گیری رفتار بزهکارانه برجسته می‌کند. در این رویکرد، رفتارهای مجرمانه زمانی تقویت می‌شوند که با پیامدهای مثبت مانند تأیید گروهی همراه باشند و رفتارهای غیر مجرمانه زمانی کاهش می‌یابند که بی‌اهمیت جلوه داده شوند (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۴۰۰: ۱۳۹). این نظریه‌ها به طور مشترک تأثیر تعاملات اجتماعی و محیطی را در شکل‌گیری رفتارهای بزهکارانه توضیح می‌دهند و معتقدند که این رفتارها از طریق معاشرت و تقویت در محیط‌های اجتماعی خاص به وجود می‌آیند (رایجیان اصلی، ۱۴۰۱: ۳۴۸).

نظریه یادگیری اجتماعی در ارتباط با نزاع‌های دسته‌جمعی در مناطق حاشیه‌ای مانند شهریار نشان می‌دهد که افراد از طریق تعامل با گروه‌های اجتماعی که رفتارهای انحرافی را ترویج می‌کنند، شیوه‌های ارتکاب نزاع و خشونت را می‌آموزند. طبق نظریه پیوند افتراقی ساترلند، این رفتارها از طریق معاشرت‌های مداوم با گروه‌هایی که هنجارهای انحرافی را تقویت کرده، شکل می‌گیرند. هم‌چنین بر اساس نظریه تقویت افتراقی برگس و آکرز، پاداش‌ها و تاییدهای اجتماعی از سوی گروه‌های مشابه می‌توانند باعث تقویت و تکرار این رفتارها شوند.

۲-۳-۱. نظریه‌های کنترل اجتماعی^۱

نظریه‌های کنترل اجتماعی بر این اساس استوارند که هر فرد به طور بالقوه می‌تواند از قانون سرپیچی کند و بزهکار شود؛ چرا که در جامعه مدرن فرصت‌های زیادی برای فعالیت‌های غیر قانونی وجود دارد (شیری، ۱۳۹۷: ۱۱۰). این نظریه‌ها بر این باورند که در مواجهه با هیجانات و جذابیت‌های جرم مانند مصرف مواد مخدر یا سرقت، افراد به دلیل فقدان یا تضعیف کنترل‌های اجتماعی ممکن است به سمت بزهکاری گرایش پیدا کنند (قرباتی و فیض‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۱۳). از دیدگاه این نظریه‌ها، کنترل‌های اجتماعی درونی و بیرونی سبب تبعیت افراد از قوانین می‌شود و در صورت ضعف این نظارت‌ها، انحراف و بزهکاری افزایش می‌یابد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۴۷). این نظریه‌ها در دو قالب اصلی بررسی می‌شوند: نظریه

پیوندهای اجتماعی و نظریه مهار.

نظریه پیوندهای اجتماعی که توسط هیرشی^۱ در سال ۱۹۶۹ مطرح شد، معتقد است که علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی، پیوندهای اجتماعی است و ضعف این پیوندها باعث بروز کج‌رفتاری و جرم می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۴۷-۴۸). هیرشی چهار عنصر وابستگی، تعهد، مشارکت اجتماعی و اعتقاد را به عنوان عوامل کنترل‌کننده رفتار افراد می‌شناسد (حیدرآبادی و -عباسی و نجفی، ۱۳۹۱: ۱۰۶). وابستگی به افراد و نهادهای اجتماعی موجب می‌شود افراد از ارتکاب جرم خودداری کنند؛ زیرا نمی‌خواهند به دیگران آسیب برسانند (پاک‌نهاد، ۱۴۰۱: ۲۱۴). تعهد به فعالیت‌های اجتماعی و حفظ موقعیت‌های اجتماعی نیز افراد را از جرم بازمی‌دارد (سبزه‌ای و مرادی، ۱۳۹۴: ۱۶۵). مشارکت اجتماعی به این معناست که افراد در فعالیت‌های مفید مشغول هستند و زمان کمتری برای ارتکاب جرم دارند (همان‌جا)؛ هم‌چنین اعتقاد به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی باعث می‌شود افراد کمتر به نقض قوانین تمایل داشته باشند (پاک‌نهاد، ۱۴۰۱: ۲۱۵). در نهایت، در افراد با پیوندهای اجتماعی ضعیف، احتمال مشارکت در نزاع دسته‌جمعی بیشتر است.

نظریه مهار که توسط والتر رکلس^۲ مطرح شد، تأکید دارد که افراد تحت فشارهای اجتماعی و محرومیت‌های اقتصادی قرار دارند که می‌تواند آنان را به ارتکاب جرم سوق دهد. فشارها و کنش‌های گروه هم‌سالان و پذیرش خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه نیز از عوامل انحراف هستند (شیخ‌الاسلامی وطنی و آشوری و مهرا و مهدوی ثابت، ۱۴۰۲: ۲۲). رکلس اشاره می‌کند که خودپنداره مثبت می‌تواند افراد را در برابر این فشارها مقاوم‌تر کند؛ در حالی که خودپنداره ضعیف می‌تواند آنان را به سوی انحرافات اجتماعی سوق دهد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۴۰۰: ۱۵۸). نظریه مهار بزهکاری را از دو منظر مهار بیرونی (نظارت‌خانواده و مدرسه) و مهار درونی (احساس -مسئولیت و مقاومت در برابر فشارها) توضیح می‌دهد. رکلس تأکید دارد که مهار درونی اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که افراد با خودپنداره مثبت کمتر به ارتکاب جرم تمایل دارند (پاک‌نهاد، ۱۳۹۹: ۳۵۴).

1. Travis Hirschi

2. Walter Reckless

افرادی که خودپنداره ضعیف دارند، معمولاً احساس ناکامی و بی‌ارزشی می‌کنند و ممکن است برای افزایش عزت نفس خود به رفتارهای بزهکارانه روی آورند. این افراد معمولاً به گروه‌های انحرافی می‌پیوندند تا از طریق رفتارهای مجرمانه مانند شرکت در نزاع‌ها، عزت نفس و احترام کسب کنند. در نهایت، خودپنداره ضعیف می‌تواند فرد را به سوی گروه‌های انحرافی کشانده و در نتیجه به ارتکاب جرم و انحرافات اجتماعی منجر شود.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات داخلی و خارجی مختلفی به بررسی نزاع دسته‌جمعی پرداخته‌اند و یافته‌های این پژوهش‌ها روابط میان متغیرهای متعددی را روشن کرده است. نتایج پژوهشی نشان می‌دهد کاهش سرمایه اجتماعی، طایفه‌گرایی و وابستگی به ایل‌ها باعث شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی شده و به افزایش نزاع دسته‌جمعی منجر می‌شود (جوانمرد و همکاران، ۱۳۹۸). در پژوهشی دیگر مشخص شده است که پایین بودن پایگاه اجتماعی، اختلافات قومی قبیله‌ای، اختلافات فرهنگی و بی‌اعتمادی به اجرای قوانین رابطه مثبتی با نزاع دسته‌جمعی دارند (داوری و احمدیان مهربان، ۱۳۹۲). هم‌چنین تحلیل پرونده‌های شهرستان بویراحمد نشان می‌دهد مردان، جوانان، مجردان، روستائیان و افراد با تحصیلات پایین بیشتر در نزاع‌ها مشارکت می‌کنند (میرفردی و صادق‌نیا، ۱۳۹۱).

پژوهش لهراسبی‌زاده (۱۳۹۱) در مناطق حاشیه‌نشین کرمانشاه ارتباط معناداری میان محرومیت اجتماعی اقتصادی و افزایش خشونت شهری را نشان داده است. از سوی دیگر، تراکم ساختمانی و عدم نظارت کافی در فضاهای بی‌دفاع شهری به عنوان عواملی که خشونت و نزاع را افزایش می‌دهند شناسایی شده است (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰). حسینی‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) نیز نشان داده‌اند که تحصیلات بالا باعث کاهش گرایش به نزاع می‌شود؛ در حالی که احساس نابرابری و تبعیض میان گروه‌های قومی می‌تواند خشونت را افزایش دهد.

پژوهش توسلی (۱۳۹۹)، اختلافات ملکی، تعصبات قومی و اختلافات سیاسی در انتخابات را از عوامل اصلی نزاع دسته‌جمعی معرفی کرده است و پیشنهاد می‌دهد که پیشگیری‌های کیفری و ترویج میانجی‌گری می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری

از این نزاع‌ها ایفا کنند. در پژوهش دیگری، یافته‌ها نشان داده است که نگرش مثبت به نزاع در بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان وجود دارد و پایگاه اجتماعی اقتصادی و الگوی اجتماعی شدن تأثیر معناداری بر این نگرش دارند (حق‌زاده دیالی، ۱۳۹۹)؛ هم‌چنین پرخاش‌گری، پایگاه اقتصادی اجتماعی و کنترل اجتماعی رابطه معناداری با نزاع دسته‌جمعی دارند؛ در حالی که روابط خانوادگی سالم از این نزاع‌ها می‌کاهد (شاهویی، ۱۳۹۷).

پژوهش تامرادی (۱۳۹۷) نشان داده است که فقر اقتصادی، قوم‌گرایی و مصونیت از تبعات جرم‌گرایی به نزاع را افزایش می‌دهند و در مقابل، انسجام و اعتماد اجتماعی رابطه معکوسی با این پدیده دارند. یافته‌های درویشی (۱۳۹۴) نیز حاکی از آن است که ضعف سرمایه اجتماعی و تحریک جوانان از عوامل تشدید نزاع است؛ در حالی که پیامدهای نزاع شامل کاهش انسجام اجتماعی و افزایش پرونده‌های قضایی است؛ هم‌چنین درستی (۱۳۸۸) تعصبات قومی، انتقام‌جویی و اختلافات ملکی را به عنوان عوامل اصلی نزاع در شهرستان بویراحمد شناسایی کرده است.

در مطالعات خارجی، جانسون^۱ و همکاران (۲۰۰۴) بیان کرده‌اند که خشونت ناشی از عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و بین‌فردی است. این پژوهش نشان می‌دهد که ۸۹ درصد جوانان تجربه نزاع داشته‌اند و این رفتار را ابزاری برای حل مشکلات می‌دانند. پژوهش دیگری توسط برنتینگتون^۲ (۲۰۱۴) نشان داده است که نظارت والدین در محله‌های محروم بر کاهش خشونت نوجوانان نسل اول اثر مثبت دارد، اما در نسل دوم و سوم این نظارت در محله‌های پرخطر کاهش یافته و به افزایش خشونت منجر می‌شود.

این مجموعه مطالعات نشان دهنده روابط پیچیده‌ای میان عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با نزاع دسته‌جمعی است و به اهمیت سرمایه اجتماعی، آموزش و نظارت در پیشگیری از این پدیده تأکید دارند.

1. Michael P. Johnson

2. Brantingham

۳. روش پژوهش

روش تحقیق این پژوهش کمی و میدانی با رویکرد پیمایشی است و هدف آن، تعمیم نتایج به جامعه آماری بزرگ‌تر می‌باشد. در مرحله اول، مفاهیم و نظریات مرتبط از طریق مطالعات کتابخانه‌ای بررسی و چارچوب مفهومی تحقیق تدوین شد. سپس داده‌های -میدانی با استفاده از مصاحبه و پرسش‌نامه گردآوری شد. پژوهش به صورت هم‌بستگی انجام شده و به بررسی روابط علت و معلولی بین متغیرها می‌پردازد.

جامعه آماری شامل مردان بالای هجده سال شهرستان شهریار است که بین سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ حداقل یک بار در نزاع دسته‌جمعی شرکت کرده‌اند. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین شد. به دلیل دشواری شناسایی افراد مجرم، از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد که در آن افراد مطلع، نمونه‌ها را به تدریج معرفی کردند.

برای ارزیابی روایی پرسش‌نامه، از روایی صوری (تأیید اساتید متخصص) و روایی هم‌گرا ($AVE \geq 0.5$) استفاده شد. پایایی ابزار با ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (هر دو برابر با ۰.۱۰۰۰) تأیید شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی ال اس^۱ و مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شدند. این روش برای بررسی روابط پیچیده بین متغیرها بسیار مناسب است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها یکی از بخش‌های اساسی هر تحقیق است که به بررسی صحت فرضیات و پردازش اطلاعات خام با استفاده از نرم‌افزارهای آماری می‌پردازد. در این تحقیق، ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به صورت توصیفی بررسی شده و سپس میزان پاسخ‌دهی به سؤالات تحلیل می‌شود. برای آزمون فرضیه‌ها از روش معادلات ساختاری با نرم‌افزار پی ال اس استفاده شده است که امکان ارزیابی معنادار ضرایب و صحت فرضیات را فراهم می‌کند.

۴-۱. بررسی آمار توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی

به منظور شناخت بهتر جامعه‌ای که در پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، لازم است این داده‌ها توصیف شود.

1. Smart PLS

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیرها	فراوانی	درصد
وضعیت تأهل	مجرد	۲۵۸
	متاهل	۱۰۹
	بدون همسر بر اثر طلاق	۱۵
	بدون همسر بر اثر فوت همسر	۲
		۰/۵
سن	۱۸ تا ۲۰ سال	۸۴
	۲۱ تا ۳۰ سال	۱۷۶
	۳۱ تا ۴۰ سال	۱۱۴
	۴۱ تا ۵۰ سال	۷
	۵۱ سال و بالاتر	۳
میزان تحصیلات	بی‌سواد	۱۰
	زیر دیپلم	۱۵۷
	دیپلم	۱۴۷
	فوق دیپلم و لیسانس	۷۰
	فوق لیسانس و بالاتر	۰
وضعیت اشتغال	شاغل	۱۵۵
	بیکار	۲۳۹
	کمتر از ۱۵۰ سانتی متر	۱
	بین ۱۵۰ تا ۱۶۹ سانتی متر	۹۶
	بیش از ۱۷۰ سانتی متر	۱۴۹
قد افراد نمونه	۱۷۰ تا ۱۷۹ سانتی متر	۸۵
	۱۸۰ تا ۱۸۹ سانتی متر	۵۳
	۱۹۰ تا ۱۹۹ سانتی متر	۰
	بیش از دو متر	۰
	کمتر از ۶۰ کیلو گرم	۱۰
وزن افراد نمونه	بین ۶۰ تا ۶۹ کیلو گرم	۶۰
	بین ۷۰ تا ۷۹ کیلو گرم	۸۱
	بین ۸۰ تا ۸۹ کیلو گرم	۹۹
	بین ۹۰ تا ۹۹ کیلو گرم	۱۰۳
	بیشتر از ۱۰۰ کیلو گرم	۳۱
جمع کل		۳۸۴

طبق جدول شماره ۱، در بین پاسخ دهندگان به پرسش نامه، ۸/۴۵٪ در گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال بودند که بیشترین درصد را تشکیل می دهند؛ در حالی که کمترین درصد (۸/۰٪) مربوط به گروه سنی ۵۱ سال و بالاتر است. از نظر تحصیلات، ۶/۲٪ بی سواد، ۹/۴٪ زیر دیپلم، ۳/۳۸٪ دیپلم و ۲/۱۸٪ دارای فوق دیپلم یا لیسانس بودند. از لحاظ وضعیت تأهل، ۲/۶۷٪ مجرد، ۴/۲۸٪ متأهل، ۹/۳٪ مطلقه و ۵/۰٪ بی همسر به دلیل فوت همسر بودند. در زمینه وضعیت اشتغال، ۴/۴۰٪ شاغل و ۶/۵۹٪ بیکار گزارش شدند. از نظر قد، بیشترین درصد به میانگین قدی ۱۷۰ تا ۱۷۹ سانتی متر و کمترین درصد (۳/۰٪) به قد کمتر از ۱۵۰ سانتی متر اختصاص داشت. در نهایت، از نظر وزن، بیشترین درصد به میانگین وزنی ۹۰ تا ۹۹ کیلوگرم و کمترین درصد (۶/۲٪) به وزن کمتر از ۶۰ کیلوگرم تعلق داشت.

۴-۲. بررسی وضعیت مولفه های مورد بررسی بر اساس شاخص های

توصیفی

در این قسمت، مولفه های مورد مطالعه با استفاده از شاخص های توصیفی و آماری شامل میانگین فرضی (۲/۵)، آزمون تی، سطح معناداری، درجه آزادی، مقدار آزمون، انحراف معیار و میانگین واقعی مورد تحلیل قرار گرفته اند. این تحلیل ها امکان ارزیابی دقیق تر وضعیت متغیرها و بررسی معناداری تفاوت ها را فراهم می کنند.

۴-۲-۱. تجزیه و تحلیل پاسخ های ارائه شده به گویه های مرتبط با

خرده فرهنگ فقر

در این بخش، برای ارزیابی وضعیت مقوله ها و ابعاد مورد بررسی، از آزمون t تک نمونه استفاده شده است. میانگین تجربی با میانگین فرضی (۶۰ درصد از نمرات ممکن، معادل ۲/۵) مقایسه شده است.

جدول ۲- بررسی وضعیت خرده‌فرهنگ فقر

میانگین فرضی = ۲/۵ شاخص آزمون تی					متغیر
سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۱	۳۸۳	۳۳/۵۸۲	۰/۷۶۳۹۰	۳/۴۱۹۳	عدم خروج از وضعیت شغلی و اقتصادی بد و نیل به اهداف و آرزوها
۰/۰۰۱	۳۸۳	۳۳/۲۲۸	۰/۷۷۷۷۲	۳/۴۲۱۹	عدم دستیابی به شغل آبرومندانه و با درآمد خوب
۰/۰۰۱	۳۸۳	۳۴/۷۲۸	۰/۷۲۹۵۱	۳/۴۲۰۶	کل

در جدول ۲، با استفاده از آزمون t تک نمونه وضعیت اقتصادی و خرده‌فرهنگ فقر بررسی شد. میانگین امتیاز ۳/۴۲ بالاتر از میانگین نظری ۳ بوده و نشان‌دهنده ارزیابی بالاتر از متوسط این وضعیت است. با t برابر ۲۴/۷۲۸ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، نتیجه به طور معنی‌دار تایید می‌شود و می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان گفت که وضعیت نامناسب اقتصادی و خرده‌فرهنگ فقر از عوامل مؤثر در جرم‌شناسی نزاع دسته‌جمعی هستند.

۲-۲-۴. تجزیه و تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده به گویه‌های مرتبط با

بی‌سازمانی اجتماعی

جدول ۳- بررسی وضعیت بی‌سازمانی اجتماعی

میانگین فرضی = ۲/۵ شاخص آزمون تی					متغیر
سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۱	۳۸۳	۲۵/۴۱۳	۰/۷۹۱۱۷	۳/۵۲۶۰	حضور سریع و به موقع پلیس موقع نزاع دسته‌جمعی
۰/۰۰۱	۳۸۳	-۱۱/۶۲۸	۱/۰۷۹۶۱	۱/۸۵۹۴	نقش حضور سریع و به موقع پلیس موقع نزاع دسته‌جمعی در کاهش نزاع دسته‌جمعی
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱/۱۵۸	۱/۱۸۹۷۱	۲/۵۷۰۳	نقش دوربین‌های کنترل نامحسوس در کاهش نزاع دسته‌جمعی
۰/۰۰۱	۳۸۳	۴/۶۸۱	۰/۶۳۵۹۹	۲/۵۶۱۹	کل

در جدول ۳، با استفاده از آزمون t تک نمونه وضعیت بی‌سازمانی اجتماعی بررسی شده است. میانگین امتیاز ۲/۶۵، بالاتر از میانگین نظری (۳)، نشان‌دهنده ارزیابی بالاتر از متوسط این وضعیت از نگاه نمونه‌هاست. با مقدار t برابر ۴/۶۸۱ و

سطح معنی داری ۰.۰۰۱ می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان گفت که این نتیجه معنی دار است و وضعیت بی‌سازمانی اجتماعی در حد بالاتر از متوسط ارزیابی شده است.

۳-۲-۴. تجزیه و تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده به گویه‌های مرتبط با کنترل اجتماعی

جدول ۴- بررسی وضعیت کنترل اجتماعی

میانگین فرضی = ۲/۵ شاخص آزمون تی					متغیر
سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون	انحراف معیار	میانگین	
۰.۰۰۱	۳۸۳	۱/۱۵۸	۱/۱۸۹۷۱	۲/۵۷۰۳	نقش دوربین‌های کنترل نامحسوس در کاهش نزاع دسته‌جمعی
۰.۰۰۵	۳۸۳	۲/۲۴۴	۱/۱۱۴۵۲	۲/۶۲۷۶	منع والدین از نزاع دسته‌جمعی
۰.۰۰۱	۳۸۳	-۴/۱۶۰	۱/۰۶۷۳۰	۲/۳۷۳۴	واکنش والدین به حمل‌سلاح
۰.۰۰۱	۳۸۳	-۷/۹۶۴	۱/۰۹۵۷۴	۲/۰۵۴۷	واکنش والدین در صورت ورود به نزاع دسته‌جمعی
۰.۰۰۱	۳۸۳	-۳/۵۹۷	۰/۹۲۷۰۰	۱/۸۵۶۸	کنترل و نظارت والدین در روابط
۰.۰۰۱	۳۸۳	-۶/۰۱۴	۰/۸۴۴۴۶	۱/۸۰۹۹	حساسیت و نظارت والدین نسبت به انتخاب‌دوستان
۰.۰۰۱	۳۸۳	-۲/۲۱۱	۱/۱۰۷۷۷	۲/۳۷۵۰	منع والدین از شرکت در نزاع دسته‌جمعی
۰.۰۰۱	۳۸۳	-۷/۲۱۸	۰/۳۱۴۱۶	۲/۲۳۴۰	کل

در جدول ۴ وضعیت کنترل اجتماعی با آزمون t تک نمونه بررسی شده است. میانگین امتیاز ۲/۲۲ که کمتر از میانگین نظری (۳) است، نشان‌دهنده ارزیابی پایین‌تر از متوسط این وضعیت از نگاه نمونه‌هاست. با مقدار t برابر ۷/۲۱۸- و سطح معنی داری ۰.۰۰۱، می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان گفت که این نتیجه معنی دار بوده و کنترل اجتماعی در حد پایین‌تر از متوسط ارزیابی شده است.

۴-۲-۴. تجزیه و تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده به گویه‌های مرتبط با یادگیری اجتماعی

جدول ۵- بررسی وضعیت یادگیری اجتماعی

میانگین فرضی = ۲/۵ شاخص آزمون تی					متغیر
سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون	انحراف معیار	میانگین	
۰.۰۰۱	۳۸۳	۱۰/۶۴۸	۱/۰۰۱۶۳	۳/۰۴۴۳	نقش تشویق و نگاه اطرافیان به نزاع و گرایش به سمت نزاع گروهی و خشونت
۰.۰۰۱	۳۸۳	۱۵/۵۹۷	۰/۸۸۹۹۴	۳/۲۰۸۳	داشتن دیدگاه این که طبق نظر بزرگترها و مصلحت اندیشی آن‌ها در نزاع باید شرکت کرد
۰.۰۰۱	۳۸۳	۱۴/۴۴۱	۰/۸۴۹۸۶	۳/۱۲۴۳	کل

در جدول ۵ وضعیت یادگیری اجتماعی با آزمون t تک نمونه بررسی شده است. میانگین امتیاز ۳/۱۲ که بالاتر از میانگین نظری (۳) است، نشان‌دهنده ارزیابی بالاتر از متوسط این وضعیت از نگاه نمونه‌هاست. با مقدار t برابر ۱۴/۴۴۱ و سطح معنی‌داری ۰.۰۰۱ می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان گفت که این نتیجه معنی‌دار بوده و یادگیری اجتماعی در حد بالاتر از متوسط ارزیابی شده است.

۵-۴- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های ارائه شده به گویه‌های مرتبط با محرومیت

نسبی

جدول ۶- بررسی وضعیت محرومیت نسبی

میانگین فرضی = ۲/۵ شاخص آزمون تی					متغیر
سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون	انحراف معیار	میانگین	
۰.۰۰۱	۳۸۳	۱۱/۰۰۴	۱/۰۳۸۸۵	۳/۰۸۳۳	احساس عقب بودن از دیگران از نظر اقتصادی برخلاف حق آن‌ها
۰.۰۰۱	۳۸۳	۱۵/۳۳۲	۰/۸۴۲۰۲	۳/۱۸۳۳	عدم اختصاص امکانات مناسب از طرف دولت به منطقه مورد نظر
۰.۰۰۱	۳۸۳	۳۱/۳۳۳	۰/۶۹۳۴۱	۳/۶۰۶۸	شکاف طبقاتی بین غنی و فقیر
۰.۰۰۱	۳۸۳	۱۵/۴۵۴	۰/۹۱۷۹۷	۳/۲۲۴۰	توزیع ناعادلانه امکانات و ابزار در مناطق مختلف
۰.۰۰۱	۳۸۳	۱۷/۳۸۷	۰/۸۸۹۳۲	۳/۲۸۹۱	توزیع ناعادلانه امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و کشاورزی
۰.۰۰۱	۳۸۳	۲۲/۷۳۶	۰/۶۶۷۹۵	۳/۲۷۷۱	کل

در جدول ۶ وضعیت محرومیت نسبی با آزمون t تک نمونه بررسی شده است. میانگین امتیاز ۳/۲۷، بالاتر از میانگین نظری (۳)، نشان‌دهنده ارزیابی بالاتر از متوسط این وضعیت از نگاه نمونه‌هاست. با مقدار t برابر ۲۲/۷۳۶ و سطح معنی‌داری ۰.۰۰۱ می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان گفت که این نتیجه معنی‌دار بوده و محرومیت نسبی در حد بالاتر از متوسط ارزیابی شده است.

۶-۲-۴. تجزیه و تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده به گویه‌های مرتبط با فشار جدول ۷- بررسی وضعیت فشار

میانگین فرضی = ۲/۵ شاخص آزمون تی					متغیر
سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱۱/۰۰۴	۱/۰۳۸۸۵	۳/۰۸۳۳	احساس عقب بودن از دیگران از نظر اقتصادی برخلاف حق آن‌ها
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱۵/۳۳۲	۰/۸۷۲۰۲	۳/۱۸۲۳	عدم اختصاص امکانات مناسب از طرف دولت به منطقه مورد نظر فرد
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱۲/۵۲۷	۰/۹۳۶۹۷	۳/۰۹۹۰	احساس عقب ماندن از هم سن و سال‌ها از نظر امکانات زندگی
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱۴/۸۴۵	۰/۸۹۳۷۸	۳/۱۷۷۱	احساس عقب ماندن از هم سن و سال‌ها از نظر داشتن مسکن مناسب
۰/۰۰۱	۳۸۳	۳۱/۳۲۳	۰/۶۹۲۴۱	۳/۶۰۶۸	شکاف طبقاتی بین غنی و فقیر
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱۵/۴۵۴	۰/۹۱۷۹۷	۳/۲۲۴۰	توزیع ناعادلانه امکانات و ابزار در مناطق مختلف
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱۷/۳۸۷	۰/۸۸۹۳۲	۳/۲۸۹۱	توزیع ناعادلانه امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و کشاورزی
۰/۰۰۱	۳۸۳	۲۳/۵۸۲	۰/۷۶۳۹۰	۳/۴۱۹۳	عدم خروج از وضعیت شغلی و اقتصادی بد و تیل به اهداف و آرزوها
۰/۰۰۱	۳۸۳	۲۳/۲۲۸	۰/۷۷۷۷۲	۳/۴۲۱۹	عدم دستیابی به شغل آبرومندانه و با درآمد خوب
۰/۰۰۱	۳۸۳	۲۷/۹۱۹	۰/۵۴۶۱۰	۳/۲۷۸۱	کل

در جدول ۷ وضعیت فشار با آزمون t تک نمونه بررسی شده است. میانگین امتیاز ۳/۲۷، بالاتر از میانگین نظری (۳)، نشان دهنده ارزیابی بالاتر از متوسط این وضعیت از نگاه نمونه‌هاست. با مقدار t برابر ۲۷/۹۱۹ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان گفت که این نتیجه معنی‌دار بوده و فشار در حد بالاتر از متوسط ارزیابی شده است.

۷-۲-۴. تجزیه و تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده به گویه‌های مرتبط با ناکامی

منزلتی

جدول ۸- بررسی وضعیت ناکامی منزلتی

میانگین فرضی = ۲/۵ شاخص آزمون تی					متغیر
سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱۱/۰۰۴	۱/۰۳۸۸۵	۳/۰۸۳۳	احساس عقب بودن از دیگران از نظر اقتصادی برخلاف حق آن‌ها
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱۲/۵۲۷	۰/۹۳۶۹۷	۳/۰۹۹۰	احساس عقب ماندن از هم سن و سال‌ها از نظر امکانات زندگی
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱۴/۸۴۵	۰/۸۹۳۷۸	۳/۱۷۷۱	احساس عقب ماندن از هم سن و سال‌ها از نظر داشتن مسکن مناسب
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱۴/۹۷۲	۰/۸۱۱۲۲	۳/۱۱۹۸	کل

در جدول ۸ وضعیت ناکامی منزلتی با آزمون t تک نمونه بررسی شده است. میانگین امتیاز ۳/۱۱، بالاتر از میانگین نظری (۳)، نشان دهنده ارزیابی بالاتر از متوسط این وضعیت از نگاه نمونه‌هاست. با مقدار t برابر ۱۴/۹۷۲ و سطح معنی‌داری ۰.۰۰۱ می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان گفت که این نتیجه معنی‌دار بوده و ناکامی منزلتی در حد بالاتر از متوسط ارزیابی شده است.

۸-۲-۴. تجزیه و تحلیل پاسخ‌های ارائه شده به گویه‌های مرتبط با فرصت‌های افتراقی (خرده‌فرهنگ تضاد)

جدول ۹- بررسی وضعیت فرصت‌های افتراقی

میانگین فرضی = ۲/۵ شاخص آزمون تی					متغیر
سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون	انحراف معیار	میانگین	
۰.۰۰۱	۳۸۳	۲۵/۴۱۳	۰/۷۹۱۱۷	۳/۵۲۶۰	حضور سریع و به موقع پلیس موقع نزاع دسته‌جمعی
۰.۰۰۱	۳۸۳	-۱۱/۶۲۸	۱/۰۷۹۶۱	۱/۸۵۹۴	نقش حضور سریع و به موقع پلیس موقع نزاع دسته‌جمعی در کاهش نزاع دسته‌جمعی
۰.۰۰۱	۳۸۳	۱۲/۵۲۷	۰/۹۳۶۹۷	۳/۰۹۹۰	احساس عقب ماندن از هم سن و سال‌ها از نظر امکانات زندگی
۰.۰۰۱	۳۸۳	۳۷/۴۱۶	۰/۶۹۲۴۲	۳/۴۶۸۸	قابل قبول بودن همراه داشتن چاقو و امثال آن
۰.۰۰۱	۳۸۳	۲۱/۳۱۲	۰/۴۴۸۹۵	۲/۹۸۸۳	کل

در جدول ۹ وضعیت فرصت‌های افتراقی با آزمون t تک نمونه بررسی شده است. میانگین امتیاز ۲/۹۸، اندکی بالاتر از میانگین نظری (۳)، نشان دهنده ارزیابی در حد متوسط به بالا از نگاه نمونه‌هاست. با مقدار t برابر ۲۱/۳۱۲ و سطح معنی‌داری ۰.۰۰۱، می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان گفت که این نتیجه معنی‌دار بوده و فرصت‌های افتراقی در حد بالاتر از متوسط ارزیابی شده است.

۹-۲-۴. تجزیه و تحلیل پاسخ‌های ارائه شده به گویه‌های مرتبط با
خرده‌فرهنگ طبقه پایین
جدول ۱۰- بررسی وضعیت خرده‌فرهنگ طبقه پایین

میانگین فرضی = ۲/۵ شاخص آزمون تی					متغیر
سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون	انحراف معیار	میانگین	
۰.۰۰۱	۳۸۳	-۵/۰۴۴	۱/۰۱۱۶۳	۳/۲۳۹۶	تعداد شرکت در نزاع دسته‌جمعی
۰.۰۰۱	۳۸۳	۱۰/۶۴۸	۳/۰۱۶۳	۳/۰۴۴۳	نقش تشویق و نگاه اطرافیان به نزاع و گرایش به سمت نزاع گروهی و خشونت
۰.۰۰۱	۳۸۳	۳۷/۴۱۶	-۰/۶۹۳۴۲	۳/۴۶۸۸	قابل قبول بودن همراه داشتن چاقو و امانال آن
۰.۰۰۱	۳۸۳	-۱۳/۵۹۷	-۰/۹۲۷۰۰	۱/۸۵۶۸	کنترل و نظارت والدین در روابط فرزندان
۰.۰۰۱	۳۸۳	-۱۶/۰۱۴	-۰/۸۴۴۴۶	۱/۸۰۹۹	حساسیت و نظارت والدین نسبت به انتخاب دوستان
۰.۰۰۲۸	۳۸۳	-۲/۲۱۱	۱/۰۱۰۷۷	۲/۳۷۵۰	منع والدین از شرکت در نزاع دسته‌جمعی
۰.۰۰۸۳	۳۸۳	-۱/۷۳۶	-۰/۳۸۶۹۷	۲/۴۶۵۷	کل

در جدول ۱۰ وضعیت خرده فرهنگ طبقه پایین با آزمون t تک نمونه بررسی شده است. میانگین امتیاز ۲/۴۶ نشان دهنده ارزیابی در حد متوسط از نگاه نمونه‌هاست؛ چرا که این میانگین تفاوت معنی‌داری با میانگین نظری (۳) ندارد. با مقدار t برابر ۱/۷۳۶- و سطح معنی‌داری ۰/۸۳ می‌توان گفت که نتیجه معنی‌دار نیست؛ بنابراین وضعیت خرده فرهنگ طبقه پایین از نظر افراد در حد متوسط ارزیابی شده است.

۱۰-۲-۴. تجزیه و تحلیل پاسخ‌های ارائه شده به گویه‌های مرتبط با
خرده‌فرهنگ خشونت

جدول ۱۱- بررسی وضعیت خرده فرهنگ خشونت

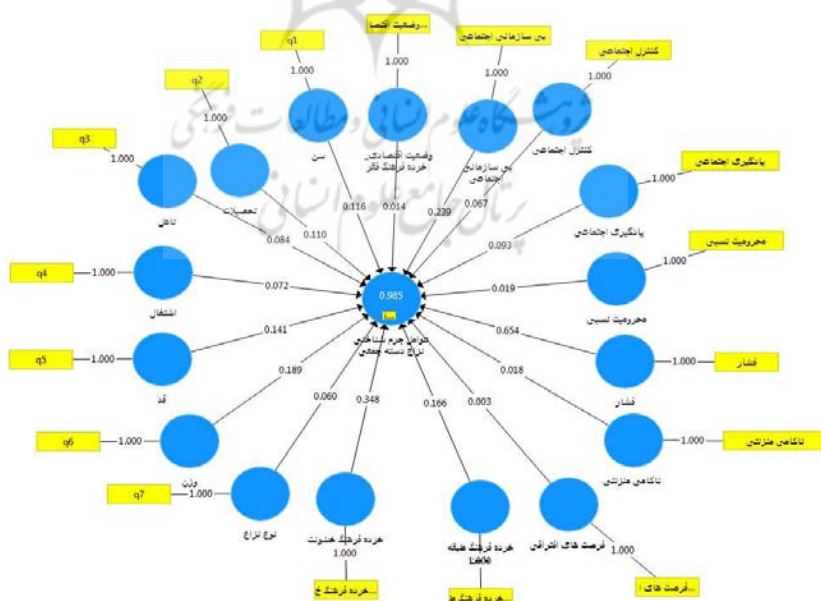
میانگین فرضی = ۲/۵ شاخص آزمون تی					متغیر
سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون	انحراف معیار	میانگین	
۰.۰۰۱	۳۸۳	-۴/۱۶۰	۱/۰۶۷۳۰	۲/۷۷۳۴	واکنش والدین به حمل سلاح
۰.۰۰۱	۳۸۳	-۷/۹۶۴	۱/۰۹۷۷۴	۲/۰۵۴۷	واکنش والدین در صورت ورود به نزاع دسته‌جمعی
۰.۰۰۱	۳۸۳	۶/۹۲۶	۱/۰۲۴۱۰	۲/۸۲۶۰	حتی اگر اقوام و خویشاوندان در درگیری مقصر باشند به یاری آن‌ها می‌شتابیم
۰.۰۰۱	۳۸۳	۱۵/۵۹۷	-۰/۸۸۹۹۴	۳/۲۰۸۳	داشتن دیدگاه این که طبق نظر بزرگترها و مصلحت اندیشی آن‌ها در نزاع باید شرکت کرد
۰.۰۰۱	۳۸۳	۳۷/۴۱۶	-۰/۶۹۳۴۲	۳/۴۶۸۸	قابل قبول بودن همراه داشتن چاقو و امانال آن
۰.۰۰۱	۳۸۳	۱۰/۰۱۶	-۰/۵۳۴۹۶	۲/۷۷۳۴	کل

در جدول ۱۱ وضعیت خرده‌فرهنگ خشونت با آزمون t تک نمونه بررسی شده است. میانگین امتیاز ۲/۷۷ نشان‌دهنده ارزیابی در حد متوسط به بالا از نگاه نمونه‌هاست؛ چرا که این میانگین از میانگین نظری (۳) بزرگتر است. با مقدار t برابر ۱۰/۰۱۶ و سطح -معنی‌داری ۰/۰۰۱، می‌توان نتیجه گرفت که این نتیجه معنی‌دار است؛ بنابراین وضعیت خرده‌فرهنگ خشونت از نظر افراد در حد بالاتر از متوسط ارزیابی شده است.

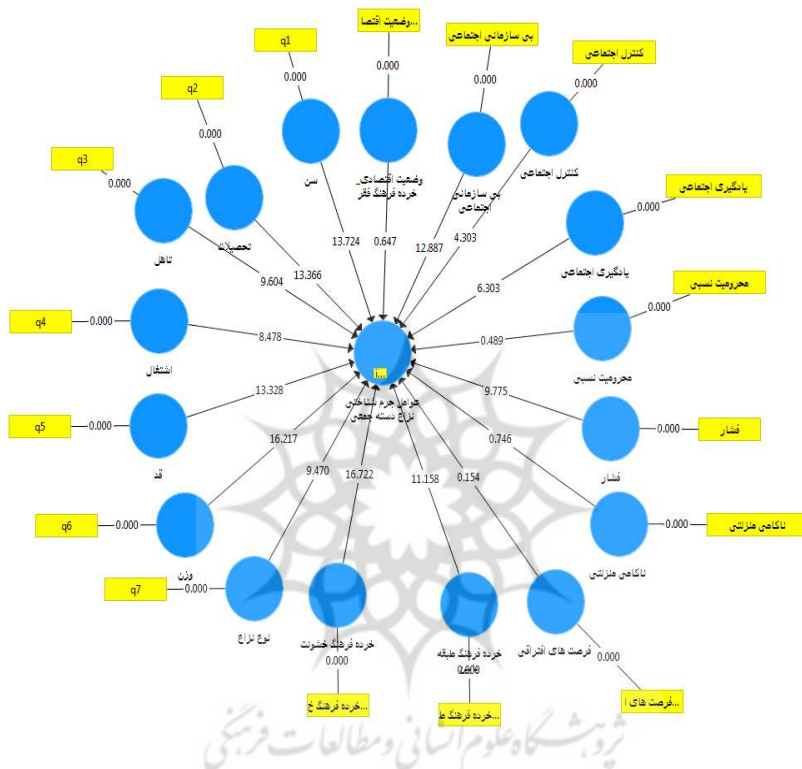
۳-۴. بررسی مدل نظری و آزمون عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته‌جمعی

برای آزمون صحت مدل نظری و محاسبه ضرایب تأثیر، از مدلیابی معادلات ساختاری با نرم‌افزار پی‌ال‌اس استفاده شده است. این روش تحلیل چند متغیری، امکان آزمون هم‌زمان مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را فراهم می‌کند و به طور هم‌زمان تحلیل رگرسیون چندگانه و تحلیل عاملی را انجام می‌دهد. معادلات ساختاری به دلیل توانایی محاسبه روابط پیچیده میان متغیرها و تفسیر گرافیکی آسان، روشی قدرتمند و محبوب است. در این تحقیق، این روش برای بررسی عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته‌جمعی به کار گرفته شده است.

شکل ۱- مدل ساختاری تحقیق همراه با ضرایب بارهای عاملی



شکل ۲- مدل ساختاری تحقیق همراه با ضرایب معناداری



با توجه به شکل شماره ۲، چون ضرایب t بیشتر از $۹۶/۱$ به دست آمده‌اند، لذا در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن آن‌ها تأیید می‌شود و معناداری ضرایب مذکور (مقادیر t_values) برازش مدل ساختاری را نشان می‌دهد.

دومین معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری در یک پژوهش، ضرایب R^2 مربوط به متغیرهای پنهان درون‌زای (وابسته) مدل است. R^2 معیاری است که نشان از تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد و سه مقدار $۰/۱۹$ ، $۰/۳۳$ و $۰/۶۷$ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 در نظر گرفته می‌شود. مطابق با شکل ۱، مقدار R^2 برای سازه‌های درون‌زای پژوهش محاسبه شده است

که با توجه به سه مقدار ملاک، می‌توان مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید ساخت.

جدول ۱۲- نتایج معیار R² برای سازه درون‌زا

متغیرهای مکنون	R ²
ارزش ویژه برند	۰/۹۸۵

برای بررسی برازش مدل کلی از معیار GOF استفاده می‌شود که سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۵ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است. این معیار از طریق فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

$$GOF = \sqrt{\text{communalities} \times R^2}$$

(Communalities) از میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان پژوهش به دست می‌آید.

جدول ۱۳- نتایج برازش مدل کلی

GOF	R ²	Communality
۰/۳۷۶	۰/۹۸۵	۰/۱۴۴

با توجه به مقدار به دست آمده برای GOF به میزان ۰/۳۷۶، برازش مناسب (متوسط) مدل کلی تأیید می‌شود.

جدول ۱۴- نتایج ضرایب معناداری عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته‌جمعی به ترتیب اهمیت بر اساس مدل پژوهش

اولویت تاثیر جداری	معناداری (T-Value)	(T- Value)	ضریب مسیر (β)	روابط علی بین متغیرهای پژوهش
۱	۰.۰۰۰	۹/۷۷۵	۰/۶۵۴	فشار -> عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته جمعی
۲	۰.۰۰۰	۱۶/۷۳۲	۰/۳۴۸	خرده فرهنگ خشونت -> عوامل جرم شناختی نزاع دسته‌جمعی
۳	۰.۰۰۰	۱۶/۲۱۷	۰/۱۸۹	وزن -> عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته‌جمعی
۴	۰.۰۰۰	۱۱/۱۵۸	۰/۱۶۶	خرده فرهنگ طبقه پایین -> عوامل جرم شناختی نزاع دسته‌جمعی
۵	۰.۰۰۰	۱۳/۳۲۸	۰/۱۴۱	قد -> عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته‌جمعی
۶	۰.۰۰۰	۱۳/۷۳۴	۰/۱۱۶	سن -> عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته‌جمعی
۷	۰.۰۰۰	۱۳/۳۶۶	۰/۱۱۰	تحصیلات -> عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته‌جمعی
۸	۰.۰۰۰	۶/۳۰۳	۰/۰۹۳	یادگیری اجتماعی -> عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته‌جمعی
۹	۰.۰۰۰	۹/۶۰۴	۰/۰۸۴	تاهل -> عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته‌جمعی
۱۰	۰.۰۰۰	۴/۳۰۳	۰/۰۶۷	کنترل اجتماعی -> عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته‌جمعی
۱۱	۰.۰۰۰	۹/۴۷۰	۰/۰۶۰	نوع نزاع -> عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته‌جمعی
۱۲	۰.۶۲۵	۰/۴۸۹	۰/۰۱۹	محرومیت نسبی -> عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته‌جمعی
۱۳	۰.۴۵۶	۰/۷۴۶	۰/۰۱۸	ناکامی منزلتی -> عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته‌جمعی
۱۴	۰.۵۱۸	۰/۶۴۷	۰/۰۱۴	وضعیت اقتصادی_ خرده فرهنگ فقر -> عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته‌جمعی
۱۵	۰.۸۷۸	۰/۱۵۴	۰/۰۰۳	فرصت های افتراقی -> عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته‌جمعی

هم‌چنین رابطه مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل نهایی پژوهش که نشان دهنده میزان تاثیرگذاری عوامل جرم‌شناختی نزاع دسته‌جمعی است، در قالب جدول شماره ۱۴ ارائه می‌شود.

بر اساس نتایج به دست آمده و بر اساس مدل مورد بررسی، عامل فشار با میزان تاثیرگذاری ۰/۶۵۴ در صدر عوامل قرار دارد و در رتبه دوم نیز خرده‌فرهنگ خشونت با میزان تاثیرگذاری ۰/۳۴۸ قرار دارد. در انتهای پیوستار عامل مؤثر و معنادار نیز، نوع نزاع با ۰/۰۶۰ قرار دارد. بقیه عوامل نیز بین این دو پیوستار قرار دارند.



برآمد

۱- این پژوهش با هدف شناسایی علل نزاع دسته‌جمعی در شهرستان شهریار و ارائه راهکارهای پیشگیری از آن، با استفاده از نظریه‌های جرم‌شناسی و پرسش‌نامه، عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی را به عنوان عوامل موثر در شکل‌گیری نزاع شناسایی کرد. نتایج نشان داد که ۷۴ درصد افراد در نزاع‌های دوستانه و ۲۴ درصد در نزاع‌های قومی شرکت کرده‌اند. در نتیجه، نزاع‌های دوستانه در این شهرستان غالب بوده و مسائل قومی کمتر موثر هستند. این نتایج در مقایسه با مناطق جنوب غربی ایران متفاوت است؛ جایی که نزاع‌های قومی بیشتر از نزاع‌های دوستانه است.

۲- رابطه بین بی‌سازمانی اجتماعی و نزاع دسته‌جمعی با سطح معناداری ۰.۰۰۱ و اطمینان ۹۵ درصد، مثبت و معنادار است؛ بدین معنا که افزایش بی‌سازمانی اجتماعی با افزایش وقوع نزاع دسته‌جمعی همراه است؛ هم‌چنین فقدان نظم اجتماعی و نظارت نظیر عدم حضور به موقع پلیس، تأثیر قابل توجهی در تشدید نزاع‌ها دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۹۰) مطابقت دارد که فقدان نظارت و کنترل را از عوامل اصلی وقوع نزاع‌های دسته‌جمعی معرفی کرده‌اند.

۳- در بررسی عوامل موثر بر نزاع دسته‌جمعی، فشارهای اقتصادی و اجتماعی به عنوان یکی از متغیرهای مهم شناخته شده‌اند. عواملی هم‌چون عدم دستیابی به شغل آبرومند، احساس شکاف طبقاتی، توزیع ناعادلانه امکانات و نارضایتی اقتصادی در این زمینه تأثیرگذار بوده‌اند. تحلیل داده‌ها نشان داد که رابطه میان فشار و نزاع دسته‌جمعی با سطح معناداری ۰.۰۰۱ و اطمینان ۹۵ درصد، مثبت و معنادار است؛ بدین معنا که افزایش فشارهای اقتصادی و اجتماعی احتمال وقوع نزاع دسته‌جمعی را افزایش می‌دهد. این نتایج نشان دهنده تأثیر نارضایتی ناشی از تعارض بین اهداف و ابزارهای دستیابی به آن‌هاست که می‌تواند به خشونت و درگیری منجر شود. یافته‌ها با مطالعه میرفردی و همکاران (۱۳۹۰) هم‌سو است که پایگاه اقتصادی ضعیف را یکی از عوامل موثر بر گرایش افراد به نزاع دسته‌جمعی شناسایی کردند. علاوه بر این، خرده‌فرهنگ‌های مشوق خشونت نیز به عنوان محرک‌های منفی مطرح شده‌اند که این

دیدگاه با نظریه فشار عمومی اگنیو تطابق دارد و بر اهمیت کاهش فشارهای اقتصادی و اجتماعی تأکید می‌کند.

۴- در این تحقیق، عامل محرومیت نسبی به عنوان متغیر مستقل و تحت نظریات فشار، با استفاده از عواملی چون احساس عقب‌ماندگی اقتصادی، عدم تخصیص امکانات مناسب از سوی دولت، شکاف طبقاتی و توزیع ناعادلانه امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و کشاورزی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که رابطه میان محرومیت نسبی و نزاع دسته‌جمعی با سطح معناداری $0/001$ و اطمینان ۹۵ درصد مثبت و معنادار است؛ بدین معنا که افزایش احساس محرومیت نسبی در افراد، احتمال شرکت در نزاع دسته‌جمعی را افزایش می‌دهد. این یافته‌ها با نظریه محرومیت نسبی تطابق دارد که بر اساس آن، افراد زمانی که خود را از نظر اقتصادی و اجتماعی در مقایسه با دیگران پایین‌تر می‌بینند، دچار نارضایتی و پرخاش‌گری می‌شوند. نتایج تحقیق با پژوهش‌های لهراسی‌زاده (۱۳۹۱) و حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) هم‌سو است که محرومیت و نابرابری را به عنوان عوامل تأثیرگذار بر خشونت‌های شهری و نزاع دسته‌جمعی شناسایی کرده‌اند؛ بنابراین سرخوردگی ناشی از محرومیت نسبی می‌تواند عاملی مهم در افزایش نزاع‌های دسته‌جمعی باشد.

۵- رابطه بین خرده‌فرهنگ‌ها و انحرافات فرهنگی در ایجاد خشونت اجتماعی از جمله عواملی است که مورد بررسی قرار گرفت. یکی از این خرده‌فرهنگ‌ها، ناکامی منزلتی بود که با استفاده از عواملی مانند احساس عقب‌ماندگی اقتصادی و ناتوانی در تأمین امکانات زندگی و مسکن مناسب به عنوان متغیر مستقل تحلیل گردید. نتایج نشان داد که با سطح معنی‌داری $0/001$ و اطمینان ۹۵ درصد، رابطه مثبت و معناداری بین ناکامی منزلتی و نزاع دسته‌جمعی وجود دارد؛ به گونه‌ای که افزایش احساس ناکامی منزلتی در افراد احتمال مشارکت در نزاع دسته‌جمعی را افزایش می‌دهد. این نتایج نشان می‌دهند که ناکامی در دستیابی به پایگاه اقتصادی و اجتماعی مناسب ممکن است افراد را به سوی استفاده از راه‌حل‌های غیر متعارف برای کسب منزلت سوق دهد که نتیجه آن خشونت و نزاع باشد. این یافته‌ها با پژوهش‌های شاهویی (۱۳۹۹) و کراورز و همکاران (۲۰۱۳) هم‌سو است که در آن‌ها ضعف پایگاه اقتصادی اجتماعی و ناتوانی در دستیابی به منزلت مناسب باعث بروز رفتارهای پرخاش‌گرانه

و درگیری‌های اجتماعی به ویژه در نوجوانان و جوانان می‌شود.

۶- تأثیر خرده‌فرهنگ تضاد بر بروز نزاع دسته‌جمعی با استفاده از عواملی چون حضور سریع پلیس، احساس عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی و پذیرفته شدن حمل سلاح به عنوان متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفت. نتایج با سطح معنی‌داری ۰.۰۰۱ و اطمینان ۹۵ درصد نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین خرده‌فرهنگ تضاد و نزاع دسته‌جمعی وجود دارد؛ به گونه‌ای که افزایش حضور این خرده‌فرهنگ در محیط‌های زندگی افراد، احتمال وقوع نزاع دسته‌جمعی را بیشتر می‌کند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که افراد تحت تأثیر این خرده‌فرهنگ، در مناطقی با بی‌سازمانی اجتماعی زندگی کرده و به علاوه احساس عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی و عادی شدن حمل سلاح در میان آن‌ها، موجب افزایش نزاع‌های دسته‌جمعی می‌شود. نتایج این تحقیق با پژوهش حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) هم‌سو است که بر تأثیر محرومیت نسبی و آنومی در وقوع نزاع دسته‌جمعی و نقش سلاح در بروز خشونت تأکید دارد.

۷- تأثیر خرده‌فرهنگ طبقه پایین بر بروز نزاع دسته‌جمعی با استفاده از عواملی چون تعداد شرکت در نزاع، تشویق اطرافیان به حضور در نزاع، پذیرفتنی بودن حمل سلاح و کنترل والدین بررسی شد. نتایج نشان داد که با سطح معنی‌داری ۰.۰۰۱ رابطه معناداری بین خرده‌فرهنگ طبقه پایین و نزاع دسته‌جمعی وجود ندارد. این یافته‌ها به این معناست که در شهرستان شهریار به دلیل ویژگی‌های اجتماعی خاص و نوع نزاع که بیشتر دوستانه و نه قومی یا قبیله‌ای است، تأثیر خرده‌فرهنگ طبقه پایین بر نزاع دسته‌جمعی مشاهده نشد. این نتایج با پژوهش توسلی (۱۳۹۹) که بر تأثیر تعصبات قومی و قبیله‌ای در نزاع‌های دسته‌جمعی تأکید دارد، هم‌سو نیست.

۸- در این پژوهش تأثیر خرده‌فرهنگ فقر بر بروز نزاع دسته‌جمعی با استفاده از عواملی مانند عدم خروج از وضعیت بد اقتصادی و ناتوانی در دستیابی به شغل آبرومندانه بررسی شد. نتایج نشان داد که با سطح معنی‌داری ۰.۰۰۱ رابطه‌ای مثبت و معنادار بین خرده‌فرهنگ فقر و نزاع دسته‌جمعی وجود دارد؛ بدین معنا که وجود خرده‌فرهنگ فقر در محیط زندگی باعث افزایش نزاع دسته‌جمعی می‌شود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی مانند بیکاری و ناتوانی در تأمین نیازهای اساسی،

موجب ناامیدی و سرخوردگی شده و احتمال بروز خشونت‌های فردی یا گروهی را افزایش می‌دهد. این نتایج با پژوهش‌های حقی‌زاده دیالی (۱۳۹۹) و میرفردی و همکاران (۱۳۹۰) هم‌سو است که هر دو تأثیر پایگاه اقتصادی ضعیف را بر وقوع نزاع دسته‌جمعی تأیید کردند.

۹- در این پژوهش، رابطه بین علل فرایند اجتماعی و بروز نزاع دسته‌جمعی بررسی شد که به دو دسته یادگیری اجتماعی و کنترل اجتماعی تقسیم می‌شود. تأثیر یادگیری اجتماعی بر وقوع نزاع دسته‌جمعی مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج تحلیل‌ها با سطح معنی‌داری ۰.۰۰۱ نشان داد که رابطه‌ای مثبت و معنادار بین یادگیری اجتماعی و نزاع دسته‌جمعی وجود دارد. این یافته‌ها تأکید می‌کند که تشویق و تحریک افراد توسط اطرافیان از جمله والدین و بستگان، نقش مؤثری در ترغیب به شرکت در نزاع دارد؛ هم‌چنین نتایج پژوهش با یافته‌های درویشی و طائب (۱۳۹۴) هم‌سو است که نشان می‌دهند یکی از عوامل اصلی در بروز نزاع دسته‌جمعی، تشویق جوانان توسط بزرگ‌ترها است. این نتایج با نظریه تقویت افتراقی برگس نیز هم‌خوانی دارد که تأکید می‌کند پاداش‌دهی به رفتارها مانند تشویق و تحسین می‌تواند باعث تقویت و تکرار آن‌ها شود؛ بنابراین یادگیری اجتماعی و تقویت مثبت از عوامل کلیدی در شکل‌گیری نزاع دسته‌جمعی به شمار می‌آیند. در ادامه، تأثیر کنترل اجتماعی بر وقوع نزاع دسته‌جمعی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل‌ها با سطح معنی‌داری ۰.۰۰۱ نشان داد که رابطه‌ای منفی و معنادار بین کنترل اجتماعی و نزاع دسته‌جمعی وجود دارد. به عبارت دیگر، ضعف در کنترل اجتماعی می‌تواند احتمال وقوع نزاع دسته‌جمعی را افزایش دهد. این نتایج نشان می‌دهند که عدم نظارت والدین بر روابط فرزندان، بی‌توجهی به حمل‌سلاح و منع نکردن شرکت در نزاع، موجب بروز رفتارهای خشونت‌آمیز و نزاع‌های گروهی می‌شود. این یافته‌ها با پژوهش‌های داوری و احمدیان‌مهریان (۱۳۹۲) و بورینگتون (۲۰۱۴) هم‌خوانی دارد که نشان می‌دهند فقدان نظارت و کنترل اجتماعی مؤثر توسط والدین عامل مهمی در بروز نزاع دسته‌جمعی است؛ بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه مثبت یادگیری اجتماعی و رابطه منفی کنترل اجتماعی با نزاع دسته‌جمعی تأیید می‌شود.

۱۰- با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادهای زیر برای کاهش نزاع دسته‌جمعی

در منطقه شهریار ارائه می‌شود:

- تقویت حضور پلیس حین نزاع: پیشنهاد می‌شود که عملیات‌های پلیسی با سرعت و کارایی بیشتر در زمان بروز نزاع دسته‌جمعی انجام شود تا از شدت خشونت کاسته شود.

- اشتغال‌زایی و کاهش فقر: با توجه به تأثیر فقر و بیکاری بر افزایش نزاع‌ها، اقدامات عملی برای ایجاد اشتغال و فقرزدایی در مناطق محروم ضروری است.

- توزیع عادلانه منابع و کاهش محرومیت نسبی: برای کاهش احساس محرومیت نسبی، پیشنهاد می‌شود که توزیع منابع به ویژه در زمینه‌هایی مانند آب و برق و تجهیز مدارس در شهریار به طور عادلانه‌تر انجام شود.

- رشد تحصیلی و کاهش شکست آموزشی: با توجه به نقش تحصیلات در کاهش خشونت، لازم است که سازمان‌های مربوط در جهت بهبود وضعیت تحصیلی در شهریار تلاش کنند.

- مقابله با تهیه و حمل سلاح: علاوه بر شناسایی و جمع‌آوری سلاح‌های غیر مجاز در شهریار، اقدامات فرهنگی و آموزشی در مدارس باید برای کاهش حمل سلاح و پیشگیری از خشونت‌های ناشی از آن انجام شود.

- افزایش نظارت والدین بر رفتار فرزندان: آموزش‌های فرهنگی به والدین برای نظارت بر روابط و رفتار فرزندان می‌تواند از وقوع نزاع‌های دسته‌جمعی جلوگیری کند.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * آقای‌نیا، حسین (۱۴۰۱)، جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص (جنایات)، چاپ نوزدهم، تهران: میزان.
- * احمدی، حبیب (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی انحرافات، چاپ ششم، تهران: سمت.
- * باقری، معصومه و ملتفت، حسین (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم زنان: مطالعه نمونه‌ای از زنان در شهر اهواز»، مطالعات اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۲.
- * پاک‌نهاد، امیر (۱۴۰۱)، اصول جرم‌شناسی، چاپ نخست، تهران: میزان.
- * پورافکاری، نصراله (۱۳۸۳)، «نزاع‌های جمعی محلی»، در: مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران.
- * پوریوسفی، حمید و طایفه، اشرف و فرکوش، آقاپور (۱۳۸۸)، «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر الگوبرداری رفتار اجتماعی دختران»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی آزاد، شماره ۱.
- * تامرادی، حسین (۱۳۹۷)، «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نزاع دسته‌جمعی: مطالعه موردی دو طایفه محمدموسی و محمدی شهرستان باغملک»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- * توسلی، روح‌اله (۱۳۹۹)، «بررسی جرم‌شناختی نزاع‌های دسته‌جمعی: مطالعه موردی شهرستان لردگان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی.
- * جوانمرد، محمد و عشایری، طاها و هاشمی، حمید (۱۳۹۸)، «تبیین شکل‌گیری نزاع و درگیری دسته‌جمعی در استان اردبیل»، انتظام اجتماعی، شماره ۴.
- * جوانمرد، کرم‌اله (۱۴۰۰)، پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده و بزهکاری نوجوانان، چاپ دوم، تهران: جامعه‌شناسان.
- * حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی (۱۴۰۰)، جامعه‌شناسی جنایی، چاپ هفتم، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- * حسین‌زاده، علی و نواح، عبدالرضا و عنبری، علی (۱۳۹۰)، «بررسی جامعه‌شناختی

- عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی: مورد مطالعه شهر اهواز»، دانش انتظامی، سال سیزدهم، شماره ۲.
- * حقی‌زاده دیالی، مریم (۱۳۹۹)، «بررسی نگرش افراد نسبت به نزاع دسته‌جمعی در بین شهروندان شهر کوه‌دشت: مورد مطالعه شهروندان بالای ۱۸ سال»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره).
- * حیدرآبادی، ابوالقاسم و عباسی، علی‌اصغر و نجفی، زهرا (۱۳۹۱)، «بررسی نقش امنیت در انحرافات اجتماعی (مورد مطالعه: زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر بابل)»، پژوهش‌های جامعه‌شناختی، شماره ۴.
- * داوری، محمد و صدیق اورعی، غلامرضا و سلیمی، علی، جامعه‌شناسی کجروی، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- * داوری، کوروش و احمدیان مهربان، غفار (۱۳۹۲)، «جرم‌شناختی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی در استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۱»، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۶.
- * درستی، مجید (۱۳۸۸)، «عوامل منازعه در شهرستان بویراحمد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.
- * درویشی، زهرا (۱۳۹۴)، «مطالعه ریشه‌ها و پیامدهای وقوع نزاع دسته‌جمعی: مورد مطالعه جامعه روستایی امام‌زاده عبدالله (ع) توابع شهرستان هندیجان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.
- * رایجیان اصلی، مهرداد (۱۴۰۱)، کلیات جرم‌شناسی، چاپ نخست، تهران: نگاه معاصر.
- * رضاپور، زهرا و فرجیها، محمد و روشن، محمد (۱۴۰۲)، «تحول نقش قاضی در رویکرد حل مسئله به خشونت خانوادگی؛ مطالعه تطبیقی حقوق کامن لا و ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۲.
- * رضازاده، اکبر و کرم‌زاده، اسماعیل و بختیاری، تقی (۱۴۰۰)، «شناسایی پیامدهای امنیتی و انتظامی نزاع دسته‌جمعی در شهرستان میاندوآب»، پژوهش‌های دانش انتظامی، شماره ۳.
- * ره‌نورد واقف، مهرداد و موسوی مجاب، سیددربید و فرجیها، محمد (۱۴۰۲)،

- «مصونیت‌یابی در زندان از طریق توسل به خشونت پیش‌قرض‌های فرهنگی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۴.
- * ساعدی، علی‌محمد و هاشمی، سیدمحمد و عابدی، یونس (۱۳۹۲)، «عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به جرم»، پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، دوره ۸، شماره ۳.
- * سبزه‌ای، محمدتقی و مرادی، گل‌مراد (۱۳۹۴)، «بررسی تاثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر ایجاد فاصله اجتماعی و ترس از جرم و ناهنجاری بین دو قوم کرد و لک در شهر کرمانشاه»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دوره ۵، شماره ۱۴.
- * ستوده، هدایت‌اله (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، چاپ نخست، تهران: ندای آریانا.
- * سخاوت، جعفر (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، چاپ نخست، تهران: دانشگاه پیام نور.
- * سعادت‌تی، موسی (۱۳۹۹)، «مطالعه جامعه‌شناختی نقش فرایند اجتماعی در تبیین رفتارهای پرخطر»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۲.
- * سیگل، لاری و ولش، براندون (۱۳۹۹)، بزهکاری نوجوانان: نظریه، قانون، عمل، برگردان: صالحیان، چاپ نخست، تهران: صالحیان.
- * سیگل، لاری (۱۳۸۶)، جرم‌شناسی، برگردان: معاونت آگاهی ناجا، چاپ نخست، تهران: معاونت آگاهی ناجا.
- * شاهویی، عبدالرضا (۱۳۹۷)، «بررسی عوامل اجتماعی و فردی مؤثر بر نزاع دسته‌جمعی در استان هرمزگان: مورد مطالعه زندان بندرعباس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر لنگه.
- * شایگان، فریبا و جبلی، معصومه (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل فردی مؤثر بر گرایش به بزهکاری زنان»، مطالعات پلیس زن، شماره ۱۳.
- * شومیکر، دونالد جی (۱۳۹۷)، نظریه‌های بزهکاری، برگردان: ناشر نوین، چاپ نخست، تهران: نوین.
- * شیخ‌طاهری، محمدرضا و فیروزآبادی، احمد (۱۴۰۳)، «نزاع در ایران (سنخ‌شناسی، بستر و علل و عوامل غالب)»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۱۳، شماره ۳.

* شیخ‌الاسلامی وطنی، گلاویز و آشوری، محمد و مهرا، نسرین و مهدوی ثابت، محمدعلی (۱۴۰۲)، «کنکاشی بر درون‌مایه‌های نظریه مهار؛ رویکردی تطبیقی به اهرم‌های بازپروری مجرمان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، شماره ۷.

* شیر، عباس (۱۳۹۷)، «سیاست‌گذاری جنایی از کنترل درونی تا کنترل بیرونی جرم»، سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۳.

* صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله و نصر اصفهانی، آرش (۱۳۸۹)، «اعتیاد، طرد اجتماعی و کارتن‌خوابی در شهر تهران»، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال نخست، شماره ۴.

* صفاری، علی و کونانی، سلمان (۱۳۹۶)، درآمدی بر جغرافیای جنایی، چاپ دوم، تهران: مجد.

* عمید، حسن (۱۳۹۰)، فرهنگ عمید: شامل واژه‌های فارسی و لغات عربی و اروپایی مصطلح در زبان فارسی و اصطلاحات علمی و ادبی، تهران: امیرکبیر.

* قاسمی، بهزاد و بختیاری، بختیاری (۱۳۹۸)، «کاربست و سنجش نظریه محرومیت نسبی در انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۱۱۸.

* قاسمی، وحید و یازرلو، عطیه (۱۳۸۴)، «اثر ناکامی اجتماعی بر نوع جرائم در میان مجرمین استان گلستان»، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، شماره ۱۴.

* قاسمی‌نژاد، ابوذر و حسنوند، باقر و قلی‌زاده، حامد (۱۳۹۶)، «تحلیل شکل‌گیری نزاع دسته‌جمعی در مناطق روستایی شهرستان سلسله»، پژوهش‌نامه جغرافیای انتظامی، شماره ۱۸.

* قربانی، اسماعیل و فیض‌آبادی، حسین (۱۳۹۲)، «واکاوی دیدگاه‌های جامعه‌شناختی انحرافات»، دانش انتظامی، دوره ۱، شماره ۳.

* لهراسبی‌زاده، عبدالمعالی (۱۳۹۱)، «نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین: مورد مطالعه شهر کرمانشاه»، مطالعات شهری، سال دوم، شماره ۳.

* محسنی تبریزی، علیرضا و قهرمانی، سهراب و یاهک، سجاد (۱۳۹۰)، «فضاهای

- بی‌دفاع شهری و خشونت (مطالعه موردی فضاهای بی‌دفاع شهر تهران)»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره ۴۴.
- * محسنی، فرید (۱۳۹۷)، *نظریه‌های جرم‌شناسی*، چاپ نخست، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- * مرادی، حسن (۱۳۹۶)، *جرائم علیه اشخاص (جنایات)*، چاپ نخست، تهران: میزان.
- * ملکمان، لینا و شریفیان، سید (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم زنان زندانی»، پژوهش اجتماعی، شماره ۵.
- * ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، *انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، چاپ نخست، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- * میرفردی، اصغر و صادق‌نیا، آسیه (۱۳۹۱)، «گونه‌شناسی نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان بویراحمد»، *انتظام اجتماعی*، شماره ۲.
- * میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۲)، *حقوق کیفری اختصاصی (۱) جرائم علیه اشخاص*، چاپ ۳۳، تهران: نشر میزان.
- * نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی جنایی: تقریرات دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- * ولد، جرج و برنارد، توماس و اسنیس، جفری (۱۳۸۰)، *جرم‌شناسی نظری*، برگردان: علی شجاعی، تهران: سمت.
- * هادیزاده، مریم (۱۳۸۲)، *حاشیه‌نشینی و راهکارهای سازماندهی آن در جهان*، چاپ دوم، تهران: آذر برزین.
- ب. انگلیسی

* Beirne, Piers & James W. Messerschmidt (2011), **Criminology: A Sociological Approach**, Oxford: Oxford University Press.

* Bohm, Robert M. , and Brenda L. Vogel (2011), **A Primer on Crime and Delinquency Theor**, 3rd ed, Wadsworth: Cengage Learning.

* Burrington, Lory (2014), **"Neighborhood Structure, Immigrant Status, and Youth Violence: Assessing the Role of Parental Su-**

pervision", Youth Violence and Juvenile Justice, 30.

* Walsh, Anthony & Craig Hemmens (2011), **Introduction to Criminology: A Text/Reade**, 2nd e, Sage.

* Johnson, S. B. , S. Frattaroli, J. L. Wright, C. B. Pearson-Fields, and T. L. Cheng (2004), **"Urban Youths' Perspectives on Violence and the Necessity of Fighting"**, Injury Prevention, 10.

* Toby, Jackson (1961), **"Review: Delinquency and Opportunity"**, The British Journal of Sociology, 12, no. 3.

